

# اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی

مؤلف: علی قائمی

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: نهم

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۸۸

چاپ: سازمان چاپ و انتشارات

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع بحث، اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی است.

آنچه را که درباره ی موضوع بحث، بررسی و اندیشه کرده ام، در طبق اخلاص گذارده، همچون هدیه ی موری

تقدیم صاحب شریعت می کنم، به آن امید که از ما هم بپذیرند.

## دو مبنا در بحث

در این مجموعه دو سلسله مباحث مبنایی را مورد عنایت قرار می دهیم:

۱ - اصول و مبادی فکری من در عرصه ی این بحث

۲ - پایه های تربیت اسلامی که طبعاً حاصل آن به بحث نماز کشانده شده، و شامل اصول و ضوابطی هستند که در جنبه ی اجرا قابل طرح و ارائه است.

## تکیه گاه بحث

در بحث خود، سعی خواهم داشت که به خواست خداوند به نکات

[ صفحه ۱۰ ]

مهمی که ذیلاً عرضه می شوند توجه کنم:

۱ - اصول و مبادی نظام فکری اسلام لااقل بر اساس آنچه که در طول مدت عمر و مطالعاتم از اسلام برداشت کرده ام که البته این برداشت جدا از درک، استنباط و نوشته های بزرگان و راهنمایان مذهب نیست.

۲ - مبنایی و اصولی که از دانش روان شناسی، مخصوصاً روان شناسی رشد، روان شناسی تربیتی و یادگیری در دست و مورد استناد بزرگان و صاحب نظران این علم است و من سالیان سال است که در این زمینه ها تحصیل، مطالعه، بررسی و تدریس کرده ام.

۳ - استنباط و تجارب شخصی که محصول عمری نسبتاً طولانی (۵۵ سال) است که حدود ۳۴ سال آن در وظیفه ی معلمی و مخصوصاً چند سال آن در کلاس اول ابتدایی گذشته است، آن هم در نقطه ای نسبتاً محروم و در ارتباط با کودکانی که بسیاری از آنان در خانواده هایی نابسامان و آشفته رشد یافته بودند و من سعی داشتم برنامه ی نماز را برای آنان به مرحله ی اجرا درآورم.

۴ - کار مستقیم و عملی درباره ی فرزندانم، در ارتباط با واداشتن آنها به نماز، از همان دوران خردسالی و گمان دارم در آن مسیر مرتکب خطا و اشتباهی نشده ام و وظیفه ی پدری خود را حداقل در این قسمت خوب انجام داده و نماز را به صورت فریضه ای عملی و بدون احساس کراهت از جانب آنان، به آنها قبولانده ام.

۵ - و البته مختصر پژوهش تجربی و علمی هم که اغلب با همراهی دانشجویانم در مقاطع مختلف تحصیلی صورت گرفته، می تواند در این زمینه قابل ذکر باشد که به هر حال مویی در ساختن ریسمانی، مدد است.

## پایه های تربیت اسلامی

پایه های تربیت اسلامی بی تردید، بر اصولی استوارند که منابع آن را

[ صفحه ۱۱ ]

جنبه های زیر تشکیل می دهند:

۱ - قرآن: که اساسنامه ی حیات و موجودیت اسلام و اصیل ترین و مستندترین منبع، در همه ی زمینه های فقهی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و تربیتی است.

۲ - سنت که شامل قول، فعل و تقریر معصومین (علیهم السلام) است (و نقش آن تبیین آیات و احکام و در واقع اساسنامه ی عملی اسلام است و در تربیت که دارای جنبه اجرا و عمل است، مورد استفاده و کاربردی فراوان است).  
۳ - اجماع: که اتفاق نظر علمای اسلام درباره ی مسأله ای است که نقضی از کتاب و سنت برای آن نیست و به شرطی که کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد برای ما مورد استفاده است.

۴ - عقل: که راهنمای ما در امور جاری و پیامبر درونی هر انسان است و خدای به وسیله ی آن حجت خود را بر مردم شناسانده است و به شرطی که مابین با قرآن و سنت نباشد مورد استفاده ماست.

در این رابطه امام کاظم (علیه السلام) فرموده اند: «ان لله علی الناس حجّین، حجّة ظاهرة و حجّة باطنة، فاما الظاهرة فالانبياء، و الرسل و الائمة (علیهم السلام)، فاما الباطنة العقول».

البته در تربیت اسلامی افراد، و هدایت آنها به سوی کمال و سعادت، اصل الهام از فطرت آدمی و از نظام طبیعت و آفرینش و نیز اصولی دیگر برآمده از دین و علم مطرحند که در متن بحثم بدانها خواهم پرداخت.

## طرح مباحث

برای اینکه قالب بحث در این محضر معین باشد، کل عرایض را در ۱۲ قسمت به شرح زیر تقدیم خواهیم کرد که عبارتند از: پیام نماز، گیرنده ی پیام، فرستنده ی پیام، در کیفیت القای نماز، شرایط القاء، نحوه ی تمرین و عمل، القآت لازم، آغاز دعوت و تمرین، راهنمای ما در اجرای نماز، در امکان

[ صفحه ۱۲ ]

پذیرش، قواعد و مراقبت ها و پرهیزها.

ما اینک به بحث و بررسی مختصر درباره ی هر کدام از آنها می پردازیم:

## پیام نماز

در این زمینه مباحث بسیاری قابل عرضه اند که هر کدام در خور بحثی جداگانه اند و ما را در این امور قصد ورود نبوده، تنها ذکری از آنها به میان می آوریم و طرح و تکمیل آن موضوعات را به دیگران وامی گذاریم:

- ۱ - درباره ی وجوب نماز: قرآن به آن تکیه دارد: «ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً»
- ۲ - درباره ی روح نماز: خدا می فرماید: «اقم الصلوة لذكری»، و در آن یاد خدا، انس با خدا و احساس حضور مطرح است.
- ۳ - بعد ملکوتی نماز: (آن را معراج مؤمن گفته اند): «الصلوة معراج المؤمن»
- ۴ - اهمیت و عظمت نماز که قرآن الفجر است: در حدیث نبوی آمده است: «ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها»
- ۵ - جنبه ی سازندگی و بازدارندگی: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر»
- ۶ - جنبه ی حالت آفرینی آن: ذکر «ارحنی یا بلال» پیامبر و یا تغییر رنگ امام سجاد علیه السلام در هنگام نماز به خاطر احساس حضور در پیشگاه خداوند (احیای اسلام - غزالی)
- ۷ - محبوبیت آن در نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله: ایشان فرمود: «انی احب من دنیاکم ثلاث... و قره عینی الصلوة»

۸ - بعد سیاسی نماز، شامل قیام و قعودها، قیام آفرینی ها و شعاردهی های آن.

[ صفحه ۱۳ ]

۹ - نظم آفرینی و حیات بخشی آن: نماز در اوقاتی ثابت و معین به مرحله ی اجرا در می آید و این خود درسی برای نظم و سامان داری در زندگی است، هم در جنبه ی ظاهر زندگی و هم در جنبه ی باطن و درون آدمی.

۱۰ - احساس وصل و احساس قدرت: نماز عامل قرب و وابستگی به معبود است؛ عامل اتصال به قدرت بی نهایتی است که همه ی قدرت ها نشأت گرفته از قدرت اوست و در برابر توان مطلق او هیچ و پوچند. اتصال و پیوند با خدا می تواند به انسانها قدرت ببخشد، به گونه ای که در برابر دیگر قدرتهای زائل شدنی سر تسلیم فرود نیاورد و راه خود را درست و با قامتی برافراشته ادامه دهد. در عین حال اتصال به معبود بی نهایت و راز و نیاز با او در حال ذکر، قنوت و سجده های نماز، عامل سکون و آرامش دل است و چه بسیار اضطراب ها و احساس ناامنی ها که بر اثر آن از بین می رود.

## گیرنده ی پیام

گیرنده ی پیام نماز کیست؟ در این بحث گیرنده ی پیام، کودک و نوجوان است؛ اما کودک کیست؟ نوجوان کیست؟ اخذ پیام نماز بر آنان واجب است یا مستحب؟ نماز برای آنان جنبه ی الزام دارد یا تشریفات؟ و... این ها سؤالاتی هستند که باید برایشان پاسخی شایسته داد.

## کودک

کودک به چه کسی می گویند؟ به آن کس که حیاتی اتکالی دارد، تحت حضانت و ولایت دیگران است، تازه به دوران رسیده است، القآت و تلقینات دیگران در او شدیداً مؤثر است، از خود طرحی، فکر و بینشی شناخته شده و منسجم ندارد، شدیداً رنگ پذیر و دارای جنبه ی انفعالی است، بسیار انعطاف پذیر است، در مسیر تشکیل و تکون شخصیت است و...

و چنین فردی در مرز سنی تولد تا ۱۱ سالگی است که از نظر من، به چهار مرحله ی محدودتر تقسیم می شود: دوران پرستاری یا کودکی اول، دوران کودکی دوم، کودکی سوم و کودکی چهارم. ما با استفاده از ویژگیهای فطری، طبیعی و روان شناختی کودک در هر مرحله، به بررسی مسئله پرورش دینی او می پردازیم و برآنیم در خلال بحث از شرایط و جو فکری و روانی کودک در هر دوره پرده برداریم:

### دوران پرستاری: مرحله ی اول کودکی (تا ۳ سالگی)

به نظر ما شامل زمان ولادت تا پایان سه سالگی است. مرحله ای است که کودک در آن موجودی کاملاً وابسته است و بخش اعظم عمر و اوقاتش را در آغوش مادر یا در کنار او می گذراند. در این دوران از نظر ویژگیهای سنی مسائلی مطرح است که اهم آنها بدین قرارند:

الف) حیات کودک کاملاً اتکالی است و تنها در اواخر این دوره است که تا حدودی می تواند از خود رفع نیاز کند.  
 ب) شدیداً تلقین پذیر است تا حدی که می توان بسیاری از بدیهیات را در برابر او وارونه جلوه داد.  
 ج) بعد انفعال، پذیرش و رنگ پذیری در او قوی است. زود می پذیرد، زود رد می کند و زود تحت تأثیر القاء قرار می گیرد.

د) حواسش همچون درجه هایی هستند که داخل و خارج را بدون تحلیل و بررسی به هم مربوط می سازند. چشم او نقش دوربین عکاسی را بازی می کند که از همه ی صحنه ها و جریان ها عکس برمی دارد. گوش او نقش دستگاه ضبط صوت، هر چه را بشنود ضبط می کند، اگر چه مفاهیم آن را درنیابد و به همین ترتیب است نقش دیگر حواس او که همچون گیرنده هایی هستند که تصاویر و کیفیت جهان خارج را به درون

ذهن می برند و مجموعه یافته های حسی در خزانه ی ذهن او ضبط و نگاه داری می شوند و بسیاری از آنها پایه های بینش و جهان بینی حال و بعد کودک را تشکیل می دهند و برخی از آنها هم زمینه ساز فراگیری های سریعتر مباحث مشابه در مراحل بعدی عمرند.

ه) توان تقلید از ماه چهارم ولادت به صورت بسیار ضعیف در کودک ظاهر می شود، ولی در اواخر این مرحله شدیداً قوت می گیرد. کودک دوست دارد از والدین و مخصوصاً از مادر و سپس از پدر خود تقلید کند. به اعمال عبادی مادر، به خم و راست شدن او، هنگام نماز حساس است. می خواهد چون او عمل کند، همانند او لب بجنباند و ذکر بگوید و این خود یک فرصت مقدماتی برای دعوت به تقلید نماز است. او تدریجاً از ماه ششم ولادت، رفتار پدر و دیگر اطرافیان را زیر نظر می گیرد که آنها نیز مایه های تقلید بعدی کودک را فراهم می سازند.

## مرحله ی دوم کودکی (۴ تا ۷ سالگی)

الف) این مرحله، دوران کنجکاوی شدید و سر درآوردن از حرکات، فعالیت ها و تلاشهای دیگران است. شرایط ذهنی و روانی کودک به گونه ای است که نسبت به هر رفتاری حساس است، هر حرکت و جنبشی توجه او را به سوی خود جلب می کند و حتی در مواردی بسیار کنجکاوی او غیرارادی است و این هشداری برای والدین در مراقبت از روابط خویش است.

ب) دوران صید اطلاعات و عشق به این صید است. کودک دوست دارد با حرصی شدید بیاموزد و به همین منظور به هر کجا سر می کشد و به هر سخنی گوش فرا می دهد.

ج) قدرت دریافت و گیرندگی در کودک قوی است، بویژه که حافظه ای توانمند دارد. زود می تواند حفظ کند و زود می فهمد، و به همین

[ صفحه ۱۶ ]

دلیل با همه تصویری که والدین از نادانی او دارند، بسیاری از چیزها را می داند و می فهمد.

د) حیات در کودک صورتی فعال دارد و با تمام قوا، پیوسته در حرکت است. می دود، بی آنکه دلیلی روشن برای دویدن داشته باشد، می جهد، بدون اینکه توجیهی برای آن داشته باشد و سراسر وجود او انرژی و حرکت است.



ه) دوران عشق و محبت به والدین، مخصوصاً به مادر است. ممکن است او گاهی نسبت به مادرش موضع پرخاشگرانه بگیرد، ولی اگر بواقع دریابد که مادرش از مرضی درد می کشد و یا می خواهد بمیرد، منقلب می شود و حتی ممکن است اشکش سرازیر گردد. او مادر را دنیا و همه چیز خود می شناسد.

و) شدیداً مقلد است و دامنه ی تقلیدش دائماً وسیع می شود. از همه کس تقلید می کند، از: پدر، مادر، روحانی، پزشک، تزییق کننده ی آمپول، لباس فروش، فقیر و...

ز) به دنبال یافتن الگوهاست و نقش مدلها در او بسیار نیرومندانه اثر می گذارد. اگر فردی به عنوان قهرمان، یا انسانی برتر در دل او جا کند، می کوشد رفتار خود را با او تطابق دهد.

ح) مرحله ی اعتماد و اطمینان است، اطمینان به پدر، مادر، و هر کس که به او محبت کند. در آن صورت هر سخنی که از آنها بشنود برای او به منزله ی وحی منزل است و آن را صواب و درستش می پندارد.

ط) مرحله ی سلوک متعادل است و کودک تدریجاً زندگی را عقلانی کرده و در سنین ۶ و ۷ سالگی، والدین، کودک خود را نسبتاً معقول و در خور امر و نهی می یابند.

ی) در اواخر این مرحله کودک به سن تمیز می رسد، دنیای متفاوت

[ صفحه ۱۷ ]

زن و مرد را می شناسد و سعی دارد حیات خود را رنگی مردانه یا زنانه بخشد و نیز از بسیاری مصداق های خوبی و بدی سر در می آورد و این امکان در او وجود دارد که تحت کنترل رسمی درآید.

ک) وجدانش به تدریج بیدار می شود، تا حدی که گاهی ممکن است از عمل ناروای خود شرمنده گردد و این عامل مهمی برای خود کنترلی است، البته به شرطی که تحت هدایت و مراقبت قرار گیرد.

ل) میل به همانندسازی در او قوی است. دوست دارد مثل پدر یا مادر باشد. اگر والدین را اهل عبادت و نماز ببیند دوست خواهد داشت چون آنها عمل کند و اگر تارک الصلوة و یا به نماز بی اعتنا باشند، او هم آنچنان خواهد شد.

م) این مرحله، تشکیل خود و تکمیل و استقلال شخصیت است. کودک برای خود کسی است. به گفته ی عالمی او یک فیلسوف کوچولوست، برای خود رأی و نظری دارد و می خواهد رأی خود را به کرسی بنشاند و در حد خود دارای یک بینش و جهان بینی است.

ن) کودک در این مرحله مصداق عنوان سریع الرضای خداوند است. زود راضی می شود، زود از قهر به آشتی روی می آورد، در میان گریه می توان او را خندانند و در وسط خنده می توان به گریه اش انداخت و این خود زمینه ای برای اثرگذاری در کودک است.

## احساس مذهبی در کودکان

بر اساس بررسی ها و یافته های روان شناسان، احساس مذهبی در سنین ۶ و ۷ سالگی در کودکان آشکار می شود و میل به تظاهرات مذهبی و علائق آن در آنها زنده می گردد؛ اگر چه از حدود سه، چهار سالگی هم نوع سئوالات کودکان از مبدأ و منتهای امور، حکایت از فطرت خدا آشنای آنان دارد.

[ صفحه ۱۸ ]

البته خدا آشنایی و مذهب خواهی در اعتقاد ما امری فطری است و تجلی آن در همه ی کودکان، صرف نظر از جنس، نژاد، منطقه و موقعیت جغرافیایی دیده می شود و این حالت مورد انکار روانشناسان نیست. پرسش های کودکان از مبدأ و مقصد اشیاء خود تجلی وجود چنین زمینه ای است، اما تظاهرات صریح تر آن در ۶ سالگی پدید می آید.

به عقیده روان شناسان میل به تظاهرات مذهبی و علائق آن از همان سنین در کودکان زنده می شود، تا حدی که می توان گفت دنیای درون یک کودک، دنیای عشق به خدا و محبت به اوست، دنیای احترام به خدا و ستایش و نیایش اوست. کودک دوست دارد نماز بخواند، روزه بگیرد، حتی دوست دارد خدا را ببیند. او خدا را چون پدری تصور می کند که می توان در دامنش نشست. همه ی تصوراتی که یک کودک از مادری مهربان و از پدری نیرومند دارد، آنها را در خداوند جست وجو می کند. این بیداری و تظاهر، خود فرصتی و پلی برای عبور و ورود به دنیای عبادت، مخصوصاً نماز و روزه است، به شرطی که والدین الگوهای درست و مناسبی باشند.

روایات، توصیه به واداشتن کودک به نماز در همین سنین دارند. امام صادق علیه السلام می فرمود: ما فرزندان خود را در این سن برای سحری خوردن در ماه رمضان بیدار می کنیم، نه برای روزه گرفتن، بلکه برای مأنوس کردن او با خلوت شب، انس گیری با سحر و آشنایی با ذکر، عبادت و ارتباط با خدا.

غرض آشنایی و انس با عبادات و مراسم آنها و آگاهی از شیوه ی بندگی است. توصیه ی امام صادق علیه السلام این است: «بادروا اولادکم بالحدیث، قبل ان یسبق الیهم المرجعة» [۱] فرزندانان را با مسائل دین آشنا کنید پیش از آنکه عوامل گمراه کننده بر آنان فائق آیند.

[ صفحه ۱۹ ]

این گونه برخورد با کودک نوعی آشنا کردن او با مسائل حیات عبادی است.

[۱] کافی، جلد ۶، صفحه ۴۷.

## مرحله ی سوم کودکی (۷ تا ۹ سالگی)

کودک در این مرحله در شرایطی است که به اعتقاد روان شناسان، چهار مرحله از رشد شخصیت را پشت سر نهاده و به درجه ی قابل قبولی از استقلال، شناخت خود و وظیفه اش رسیده است. خصایص این مرحله از حیات از دید روان شناسان به قرار زیر است:

الف) تلقین پذیری: القاء و تلقین والدین و حتی خود کودک در او مؤثر است و بخشی از رنگ شخصیتی وی نشأت گرفته از همین القآت (مثل ترس کودک) است.

ب) تقلید: کودک سعی دارد رفتار خود را بر اساس یک الگویی سازمان دهد، از قهرمانان و بزرگان مورد تأیید خود پیروی کند و مانند آن ها عمل نماید.

ج) همانندی: و در آن امر چنان است که گویی کودک سعی دارد خود را در مدلی حل و هضم کند و چون او باشد. می خواهد عین رفتار پدر را داشته باشد، درست چون معلم خود گردد و یا مانند فرد مورد احترام خود باشد و در لباس و قالب او درآمده، در وجود او حل و هضم گردد.

د) تشکیل خود: بدین معنی که از مجموعه ی دیده ها، شنیده ها، تجربه ها و یافته ها دید و بینشی به دست آورده، رأی و نظری را برای خود حاصل کرده، شخصیت خویش را بر آن اساس قوام و تشکل بخشیده است. او اینک به صورت یک سازمان مستقل، مرکب، استوار و متحرک درآمده و عمل می کند. شخصیتی شناخته شده دارد، دریافته و

می فهمد چگونه عمل کند و با والدین و مربیان خود چگونه کنار آید. او هم چنین به این مرحله از دریافت رسیده است که دریابد رفتارش با دیگران چگونه باشد،

[ صفحه ۲۰ ]

خالصانه و صمیمانه؟ یا حيله گرانه و منافقانه؟ از راه اعمال زور و قدرت، لجبازی و طغیان به پیش رود، یا از راه خنده و شوخی، نازکشی و نازخواهی؟ و...

ه) قیدپذیری: امکان تربیت پذیری و قبول امر و نهی با دامنه ی وسیع تری در کودک وجود دارد و می تواند تکلیف و مسئولیتی را در حد توان بپذیرد و آن را نیکو انجام دهد و بر اساس همین نظر، اسلام او را در این مرحله مقید و تحت ضابطه (عبد) می خواهد.

و) کودک در این مرحله شدیداً تشویق و تهدیدپذیر است. تبشیرها و اندازها در او اثر دارند و این هر دو می توانند عامل واداشتن کودک به یک کار و عمل و یا بازداشتن او از کار و برنامه ای باشند. البته اثر تشویق در سازندگی کودک بیشتر است و در حرکت انگیزی نیز بیشتر به صلاح او می باشد.

ز) امر و نهی ها، زندگی کنونی کودک را رنگ می دهند. او فعلاً در مرحله ای است که باید در حال عبودیت، اطاعت و تبعیت باشد. والدین و مربیان باید برای او وظایف و مسئولیت هایی را معین کنند و اجرای آن را از او بخواهند: «الولد سید سبع سنین، و عبد سبع سنین...» و او فعلاً در مرحله عبودیت است.

- با جمع و جامعه نسبتاً آشناست؛ در مدرسه است و با گروه همشاگردیها مأنوس و در تبادل فرهنگی است. کسان و خویشان را می شناسد و تا حدودی درمی یابد چه کسی دوست و خیرخواه اوست و چه کسی دشمن او و با هر کدام چگونه باید برخورد کند.

ط) رفتار مدرسه ای در او مؤثر است و به همین جهت مدرسه می تواند عامل سازندگی و یا ویرانی او باشد. انتخاب نوع مدرسه در این سن به نظر عده ای از روان شناسان از انتخاب نوع حکومت هم مؤثرتر

[ صفحه ۲۱ ]

است. تیپ افراد مدرسه از نظر خلق و خوی و رفتار در او اثر می گذارند و او بیش و کم رنگ مدرسه را پذیرا می گردد.

ی) او مقایسه گر است؛ می تواند وضع دینی خود را با دیگران بسنجد و به همین گونه وضع خانوادگی، شرایط رفاهی، میزان پذیرش یا طرد خانوادگی خود را. پدر و مادر خود را از نظر میزان محبت، درجه ی مهر یا خشونت با دیگران مقایسه می کند و بر آن اساس خود را حقیر یا سرفراز می یابد.

ک) دنیای او وسیع تر شده، با جمع بیشتری از معلمان، مدیر و مسؤولان مدرسه آشناست. عملکرد آنها را می بیند، می سنجد، مورد داوری قرار می دهد و بر آن اساس ببینش و رأی پیدا می کند؛ مثلاً او از پای بندی مسؤولان مدرسه نسبت به نماز سر در می آورد. در جامعه نیز از طبقات مختلف مردم و از عبادت و ریایشان آگاه است.

ل) او در مرحله ی تفکر منطقی است و می تواند از برخی روابط علت و معلولی، حرکتها و رمز و رازها سر درآورد و مسأله ای را با مسأله ای دیگر پیوند دهد. او حتی می تواند دریابد فلان عمل پدر، مادر، یا معلم چه معنی داشته؟ حقیقی بوده یا ظاهر سازانه و ریاکارانه؟ فلان کنایه و اشاره چه معنی داشته؟ و فلان سخن با چه قصدی ادا شده است؟...

## وضع مذهبی

در مرحله ی بین ۷ تا ۹ سالگی، شوق مذهبی در کودکان رو به افزایش است. عشق به خدا و دوستداری او در آنان قوی می شود، با این تفاوت که در خردسالی، محبت کودک به خدا بسیار خالصانه و بی پروا بوده، اینک با نوعی بیم داری از خدا همراه می شود.

او تدریجاً دریافته است که خداوند در عین مهر و محبت، حسابرسی، کیفر و عقوبت هم دارد. به همین خاطر ترس از عذاب و دوزخ خدا در دل او

[ صفحه ۲۲ ]

استقرار می یابد و حال می توان بیش یا کم از جهنم و عذاب خدا با او حرف زد، ولی نه در حد اضطراب انگیز و وحشت آور.

در سنین ۶ - ۸ سالگی نوعی جهش معنوی ریشه دار را در کودکان می بینیم، به حدی که گاهی در تنهایی، با خدا حرف می زنند، دعا می کنند، از او توقع بهشت و درخواستهای دیگری دارند، حتی گاهی در این سنین خواب بهشت را می بینند و خود را غرق در نعمت و لطف خدا می یابند. کلاً دنیای لذتبخش، عرفانی، با صفا و خلوصی برای خود می سازند.

در این مرحله اگر شرایط محیطی دین مساعدتر باشد، کودک متدین تر بار می آید و حتی نمازگزاردن را می توان در او به صورت عادتی درآورد. روایات اسلامی ما، والدین را به درخواست اقامه ی نماز از فرزندان در این سنین دعوت می کنند و حتی توصیه به تحمیل آن در صورت عدم موافقت شده است.

این نکته را به صورت معترضه عرض می کنیم: فرق است بین تحمیل یک عقیده و تحمیل یک عمل. در اسلام تحمیلی در عقیده نیست، نه برای کودک و نه برای بزرگسال و این همان معنی «لا اکراه فی الدین» است؛ اما تحمیل در عمل برای مواردی خاص وجود دارد، که آن ضرورتی برای حفظ نظام است. به عنوان مثال، زنی از خارج وارد مملکت ما می شود و به حجاب و پوشش عقیده ندارد، ما هم آن عقیده را بر او تحمیل نمی کنیم؛ اما برای حفظ نظام کشور او باید روسری داشته باشد.

مورد دیگر این که: شما برای سعادت فرزند خود مدرسه رفتن را بر او تحمیل می کنید، در حالی که طفل به آن معتقد نیست و نمی خواهد به مدرسه برود، یا شما مشق و تمرین درسی را بر او تحمیل می کنید، حال آن که او قلباً نمی خواهد آنها را انجام دهد. به همین ترتیب شما آمپول و دارو را بر وی

[ صفحه ۲۳ ]

تحمیل می کنید در صورتی که از آن کراهت دارد و نماز هم عملی است که در صورت مقاومت، بر کودک تحمیل می شود.

این نکته را هم متذکر شویم که کراهت های این گونه ای تدریجاً و با تمرین ها و مداومت ها از بین می روند؛ مثل کراهت اشتغال یک تازه کار در رفتن به سر کار خودش، و کراهت بیداری صبح زود یا تن دادن به مسؤولیت خانوادگی برای دختری نازپرورده که جدیداً ازدواج کرده است.

غلبه ی نوعی بیم و اضطراب بر کودک از نافرمانی خدا، مخصوصاً پس از سن هشت سالگی، خود عامل مؤیدی است که او را در اطاعت از فرمان والدین به نماز می کشاند، یا آرزوهای محالی که در این سن برای او به وجود می آیند، او را به عبادت خدا و توقع از او سوق می دهد که این هم خود مؤیدی در این زمینه است. در اسلام، تمرین وضو برای نماز از ۷ سالگی به صورت شستن دست و صورت است و گرفتن وضو درست از ۹ سالگی مورد سفارش است. در واداشتن کودک به نماز، عبادت، وضو ساختن و... اصل بر مدارا، لطف، تحمل، تدریج و مداومت است.

### مرحله ی چهارم کودکی (۹ تا ۱۱ سالگی)

این مرحله از حیات را می توان دوران حیات عقلانی نامید. در دوره کودک تجاربی را مورد بررسی و آزمایش قرار داده، با نیک و بدهای بسیاری آشنا شده است. او با افراد و گروههای مختلفی مأنوس است و برای خود دید و بینش وسیع تری به دست آورده است و در شرایطی است که می داند در زندگی باید چه کند؛ و چه کاری را باید ترک کند یا انجام دهد. رفتار و شرایط روانی کودک را در این دوره بدین گونه می توان توصیف کرد:

الف) او برهان پذیر است؛ یعنی استدلال و برهان دیگران او را قانع

[ صفحه ۲۴ ]

میکند، اگر چه خود نتواند فردی مستدل و قانع کننده باشد. به عبارت دیگر شاید او نتواند برای امری دلیل و برهان بیاورد، اما دلیل دیگران را می فهمد و می پذیرد.

ب) وی از روابط علت و معلول در امور به طور نسبتاً خوبی سر درمی آورد، مگر درباره ی مسائلی که از سطح فکر و درک او بالاتر باشند و مسائلی باشند که نیازمند به استدلال و برهان عقلی و فلسفی هستند.

ج) او نوع روابط خود را با دیگران تنظیم کرده، می داند با هر کس چگونه برخورد کند. حتی پیش از آنکه معلمش او را امتحان کرده باشد، او معلمش را امتحان کرده و از کم و کیف احوال و مواضعش، از جدی بودن یا بی حساب بودن سخن و رفتارش نیکو سر درمی آورد.

د) کودک در این مرحله، جهان و پدیده هایش را تا حدودی می شناسد که این خود در کار خداشناسی او مؤثر است و چه بسیارند شگفتی های آفرینش که او را به حیرت وامی دارند و بی اختیار به تعظیم در برابر خدا وادارش می کنند.

ه) عادت های پدید آمده در گذشته با جنبه ی ارزیابی او همراه است و درمی یابد که فلان عادت خوب است یا بد و آیا باید فلان خلق و خوی را ادامه داد یا به ترکش پرداخت. هنوز بسیاری از رفتارها در او استقرار روانی پیدا نکرده اند و به همین علت پاره ای از اخلاق های ناپهنجار را می توان از او زدود.

و) دید و بینش کودک نسبت به پدر و مادر در نحوه ی موضعگیری او، مخصوصاً در عبادات امر شده از سوی آنها مؤثر است؛ مثلاً: اگر از پدرش ناراضی باشد آن را با ترک نماز تلافی می کند، و یا اگر با خواست و توقع او مبارزه شود او هم به خود حق می دهد که نماز نخواند (گویی او همه اعمال و عبادات خود را به خاطر والدین انجام دهد!!).

[ صفحه ۲۵ ]

ز) فعلاً او در شرایطی است که می توان درباره ی نماز با وی سخن گفت و بیش و کم به او تفهیم کرد که چرا باید عبادت کنیم. می توان برای او دلایل قابل قبولی راجع به نماز عرضه کرد و او را به پذیرش آن قانع نمود. در این راه ذکر داستان بندگان خالص خدا و عبادت آنها در او برانگیزاننده است؛ به ویژه اگر بتوانیم چهره ی مطلوب و کودک پسندی را از آنها برای فرزندان خود تصویر کنیم. ذکر داستانهای مربوط به قهرمانان عبادت و بندگی سبب می شود که آنها در دل کودک جایی پیدا کنند، به آن شرط که در بیان مسائل مربوط به آنان جنبه های فکری، روانی و عاطفی آنها را مورد نظر داشته باشیم و به داستانها رنگ و بعد عاطفی داده، آنها را برای کودک ملموس سازیم.

## وضع و شرایط مذهبی کودک

از پایان ۹ سالگی بر اساس شرایط رشد، نوعی معرفت به خدا و مذهب در کودکان عادی پدید می آید، به گونه ای که قادر به جذب آگاهیهای دین می شوند؛ مثلاً اگر درباره ی نماز با کودک بحث شود می تواند آن را دریابد و باور کند یا اگر از پاداش و کیفر خداوند برای او سخنی بگوئیم، به خاطر وصول به لذات بهشتی و دوری از عذاب های



احتمالی خداوند حاضر است نماز بخواند. البته او هنوز در آن موقعیت و شرایطی نیست که عبادت و نیایشی ناشی از عرفان داشته باشد و یا مانند یک فرد بزرگسال ایمان و باوری ریشه دار برای او پدید آید. اغلب عبادات او از انواع تجارت با خدا و نوعی بده، بستان به حساب می آیند و او در واقع با نماز و روزه ی خود نوعی معامله گری را مطرح می سازد.

شور مذهبی مخصوصاً در رابطه با جنبه ی الگویی والدین در کودک پدید می آید و این شور در سنین بلوغ می تواند با شعور درآمیزد و پایه و مایه ای برای تمام عمر باشد و همین شورهاست که کودکان را سرمست

[ صفحه ۲۶ ]

شعائر مذهبی و زرق و برق می سازند و در ایام محرم و عاشورا او را به عزاداری وامی دارند. وضع عبادت و نماز کودک در این سن به گذشته اش بستگی دارد و همچنین به اینکه والدین او در گذشته چگونه عمل می کردند و چه عاداتی را در او پدید می آوردند. اینکه بخواهیم در این سن او را به نماز واداریم، کاری نسبتاً سخت و دشوار است اگر چه جای امیدواری بسیار است. تا سنین ۱۲ سالگی می توان اقداماتی سازنده در این راه داشت و نتایج خوبی گرفت. او هنوز چون نهالی است که بدنه ای سخت و غیرقابل انعطاف پیدا نکرده است؛ اما اصولاً این نکته را به یاد داشته باشیم که پایه گذارهای اولیه، مخصوصاً در ۶ سال اول زندگی، نقش اساسی و سرنوشت سازی در زندگی کودک دارند و این که تربیت برای نماز در همین سنین باید پی ریزی شود، البته نه به صورت جدی و بازخواست کردنی، بلکه به صورت جذبی و لذت آفرین و توأم با شادی و بازی. این نکته باید مورد نظر باشد که رابطه ای است معکوس بین سن و تربیت پذیری. هر چه سن کودک کمتر باشد، امکان تربیت بیشتر است و این از آن بابت است که جنبه ی انفعالی و تلقین پذیری در کودک شدیدتر است. به فرموده امام موسی بن جعفر علیه السلام کودک چون شاخ تر است که به هر گونه ای که بخواهی می توانی او را بیچانی، این مسئله امروز مورد اتفاق اکثریت قاطع روان شناسان است و آنان هم در سایه ی بررسیها و آزمایشها به همین نتیجه رسیده اند.

سخنی در تکلیف نماز برای کودکان

اساس بحث ما این است که آیا اوامر و نواهی الهی شامل کودکان و نابالغان هم می شود یا نه؟ آیا به آنها که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند می توان امر و نهی شرعی داشت؟ در پاسخ این سؤال باید گفت: نظر فقها در این

[ صفحه ۲۷ ]

مسأله متفاوت است. در مورد اینکه دستور تکلیفی برای کودکان همانند آن چیزی نیست که درباره ی افراد بالغ مطرح است، شکی و اختلافی بین فقها وجود ندارد. به فرموده ی امام علی علیه السلام:

«ان القلم يُرْفَعُ عَنْ ثَلَاثَةٍ»: حکم خدا و کيفر و حسابرسی از سه گروه برداشته شده:

- «عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ»: از کودک تا وقتی که او به مرحله احتلام رسد.

- «وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَفِيْقَ»: از دیوانه تا وقتی که سر عقل آید.

- «وَعَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ»: از فرد خوابیده تا وقتی که بیدار شود.

بر این اساس اوامر و نواهی (از واجب و حرام) منوط به حصول بلوغ است. قبل از رسیدن به آن مرحله، شرعاً چیزی بر کودک واجب نیست. اما این نکته را هم بی درنگ می افزاییم که عدم وجوب به معنای آن نیست که او در رفتار و عمل، آزاد باشد. اگر کودک در این سنین کاری کند که موجب صدمه و آسیبی بر دیگران باشد، ضامن است. اگر دپه ای وارد آورد، نه خود او رهاست و نه عاقله ی او؛ مثلاً اگر کودکی شیشه ای را از همسایه ای بشکند، ضامن آن است. اگر کودکی تن به سرقت دهد و معنی دزدی را هم بفهمد، عقوبت می شود (اگر چه حد اسلامی بر او جاری نمی گردد)، و به همین ترتیب، اگر تن به آلودگی دهد و قبیح عمل را هم بفهمد، تعزیر می گردد و...

البته برخی از فقها هم می گویند: اوامر الهی چون «اقیموا الصلوه» عام، مطلق و دارای جنبه ی شمول است، ولی اکثر آنها معتقدند این امر برای کودکان، غیر واجب، ولی رعایت آن الزامی است و روایاتی چند نیز این جنبه را تأیید می کند. ترک نماز از کودکی که قادر به انجام آن باشد در ردیف مکروه شدید است. از والدین خواسته اند کودکان خود را قبل از سن ۱۰ سالگی به نماز وادارند و حتی آنها را به نماز امر کنند؛ «أْمُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ لِسَبْعٍ، وَ اضْرِبُوهُمْ بِعَشْرِ سِنِينَ»

[ صفحه ۲۸ ]



## نوجوان

اما نوجوان، او کیست و چه خصایصی دارد؟ وضع و شرایط روانی و رفتاری او چیست؟ اینها مسائلی است که ما به اختصار درباره ی آنها بحث خواهیم کرد و قبلاً عرضه می داریم که بحث ما دربرگیرنده ی مرحله ی سنی بین ۱۲ تا ۱۸ است که خود شامل سه بخش خواهد بود:

## بلوغ و بلوغ شرعی

۱ - مرحله ی قبل از بلوغ: یعنی سنی که در آن پسر هنوز به مرحله ی احتلام نرسیده و دختر هنوز قاعده نشده است و این سن غیر از سن بلوغ شرعی برای پسران و دختران است.

۲ - مرحله ی بلوغ و شکوفایی آن: یعنی سنی که در آن پسر و دختر به احتلام و قاعدگی رسیده اند و در مرحله ی تثبیت، شکوفائی و کمال آن قرار دارند که چنین مرحله ای در هیچ جای جهان سن معین و قطعی ندارد و در افراد مختلف و جوامع گوناگون متفاوت است.

۳ - مرحله ی پس از بلوغ: که تا سن ۱۸ را دربرمی گیرد و در آن پسر و دختر، مرد یا زن کاملاً شده اند و قادر به زاد و ولد هستند.

در بیان مسأله ی بلوغ، ذکر نکاتی ضروری است که از جمله ی آنها عبارتند از:

الف) بلوغ شرعی برای دختران مسلمان پس از گذشت ۹ سال و ورود به دهمین سال از سن قمری خویش است؛ اگر چه به مرحله ی قاعدگی نرسیده باشند (که معمولاً بیش از ۹۹ درصد دختران به قاعدگی نمی رسند).

ب) بلوغ شرعی برای پسران به دو صورت زیر می تواند باشد:

- احتلام، بدین معنی که اگر پسری در ۱۴ سالگی و یا زودتر محتلم

[ صفحه ۲۹ ]

شود از همان سن به تکلیف شرعی رسیده است و باید واجبات را رعایت کند (البته مراجع معظم تقلید در رساله های عملیه درآمدن مو در زیر بغل و زهار را نیز شرط دانسته اند که این امر ممکن است چند ماه قبل از احتلام باشد).

- گذشت ۱۵ سال قمری و ورود در سن ۱۶، اگر چه به مرحله ی احتلام نرسیده باشد و در آن صورت تکلیف شرعی بر عهده ی او است و باید واجبات را رعایت کند. این مسئله ای است که فقیهان بر آن اتفاق رأی دارند. (ج) در مرحله ی قبل از بلوغ، فرزند ما در حکم کودک است و مسأله ی نماز برای او امری الزامی است نه وجوبی و در مرحله ی بلوغ و پس از آن، حکم نماز بر وی واجب است و باید تعالیم مذهبی را رعایت کند و این امر مورد اجماع همه فقیهان است. اسلام، او را فردی مسؤول می شناسد که همه ی حدود، قواعد، احکام، دیانت و... بر او بار است.

در همه حال زمینه سازی برای نماز مربوط به دوران قبل از بلوغ و حتی مرحله ی کودکی است. اگر والدین از حدود ۳ سالگی، فرزند خود را به نماز تشویق کنند و او را با خود به نماز وادارند، در سنین پس از آن مشکلی نخواهند داشت.

## فرستنده ی پیام

فرستنده ی پیام نماز، آموزنده و القاء کننده ی آن کیست؟ او باید واجد چه خصایصی باشد؟ فرستنده ی پیام، پدر است؟ مادر است؟ معلم است؟ یا روحانی یا امام جماعت است؟ و یا جمعی از همه آنها؟ آنان هر که باشند اگر بخواهند متولی امر دین و عهده دار اجرای نماز فرزندان شوند، باید واجد صفات و شرایطی باشند که اهم آنها عبارتند از:

[ صفحه ۳۰ ]

## آگاهی و معرفت

این از شرایط عمده ی یک مربی است که آگاه باشد و دامنه ی اطلاعاتش در این زمینه، گسترده و شامل جنبه های زیر است:

- آگاهی درباره ی مذهب و مبدأ، منشاء، فلسفه و رمز و راز آن.
- آگاهی درباره ی کودک و شرایط ذهنی، روانی، توان درک، قدرت اراده، علائق و عواطف، دید و نظر و درباره ی امور و مسائل جاری، استعداد و زمینه های بالقوه ی موجود در او و...
- آگاهی از وظایف انسان درباره ی خود، خدا، مذهب، انسان ها، پدیده ها و...
- آگاهی درباره ی شرایط و جو جامعه ای که در آن زندگی می کنید، از نظر اقبال ها، ادبارها، تأییدها، طردها و...
- آگاهی از راه و روش تربیت کودک، طرق جذب و جلب، طرز برخورد، شیوه های جذب و دفع، روش واداشتن او به کاری، یا بازداشتن وی از امری و...
- آگاهی از هدف و فلسفه ی زندگی، مسؤولیت انسان در برابر شرایط حیات، وظیفه او در برابر خداوند و...
- بطور کلی، هر آگاهی دیگری که برای گذران متعارف زندگی در این سرا و سعادت فرزند در سرای دیگر ضرورت دارد.

## ایمان باور داشت

مربی باید مؤمن به آن چیزی باشد که دیگران را به آن دعوت می کند. دل او به آنچه می گوید باید آرام باشد. این جمله را که از بزرگی است فراموش نکنیم که: «دل می تواند دل را هدایت کند».

دعوت و تبلیغ هنگامی مؤثر است که نشأت گرفته از درون باشد و این نیاز به باوری راستین و عمیق دارد، به ایمانی که در جان آدمی ریشه

[ صفحه ۳۱ ]

دوانده است. این یک هشدار و آموزش برای والدین و دست اندرکاران تربیت است که اگر باوری راستین، عامل حرکتشان نباشد، هرگز نخواهند توانست در دیگران نفوذ کنند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد انواع ایمان فرماید: «فَمِنْ الْإِيمَانِ مَا يَكُونُ ثَابِتًا مَسْتَقِرًّا فِي الْقُلُوبِ وَمِنْهُ مَا يَكُونُ عَوَارِي بَيْنَ الْقُلُوبِ وَالصُّدُورِ» [۱] گاهی ایمانی است که در جانها و روانها استقرار دارد و گاه ایمانی است که به صورت عاریه ای و بدون فهم است...

و نیز ایمانی لازم است که آدمی را به تقوا و حفظ خود بکشانند؛ «من تقوى الله تقيته ذى لب». ایمانی لازم است که در اعضا و جوارح آدمی پخش شده باشد؛ آری، به هنگامی که ایمان در جوارح و اعضا نفوذ کند، می تواند نوردهنده باشد و کودک و بزرگ را تحت تأثیر قرار دهد. علی علیه السلام از ایمانی سخن می گوید که در سایه ی یرتوافکنی آن می توانیم به جهان غیب وارد شده، از آن اطلاع یابیم: «وَنُؤْمِنُ بِهِ إِيْمَانًا مِّنْ عَايِنِ الْغُيُوبِ وَ وَقَفَ عَلَي الْمَوْعُودِ» [۲].

[۱] نهج البلاغه.

[۲] نهج البلاغه.

## عمل و کار

از عمل سخن رانندیم نه از فعل. فرق فعل و عمل آن است که فعل بر کار آسان و دشوار اطلاق می شود، ولی عمل عبارت از آن فعلی است که در آن سختی و دشواری باشد. اسلام دین عمل است. و حاصل ایمان آدمی را عمل را

می شناسد، در اغلب آیات قرآن پس از واژه ایمان لغت عمل را می بینیم، آنچنان که ایمان بدون عمل را ناقص و بی بها می دانند و دعوت بدون عمل را کاری بیهوده و بی حاصل. «الداعی بلا عمل کالرامی بلا وتر» [۱].

[ صفحه ۳۲ ]

همه ی توصیه های اسلامی متوجه عمل است: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ الْنَهَايَةُ الْنَهَايَةُ» [۲] کودک بیش از آنکه مطلبی را از راه سخن بیاموزد، از راه عمل خواهد آموخت و الگو برای او کارسازتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در آموزش دین بر عمل تکیه داشت و از راه الگو و اسوه به مردم چیز می آموخت: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي». امام صادق علیه السلام هم دعوت دیگران را به پذیرش دین از راه عمل، سفارش می کرد: «كُونُوا دَعَاةَ النَّاسِ إِلَيْنَا بِغَيْرِ السَّنَتِكُمْ» [۳].

و در سخن دیگری فرمود: «كُونُوا دَعَاةَ النَّاسِ بِالْخَيْرِ بَغَيْرِ السَّنَتِكُمْ، لِيُرَوْا مِنْكُمْ الْجِتْهَادَ وَالصِّدْقَ وَالْوَرَعَ» [۴]. مریبی باید الگوی عملی نظریه ای باشد که از آن دفاع می کند و طبیعی است که عمل او باید صالح، متقن، و استوار باشد. اما در مورد نوع عمل، سخن امیرالمؤمنین علیه السلام را مد نظر قرار دهیم که فرمودند: «وَأَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نُصَبُ أَعْيُنِهِمْ فِي آجَالِهِمْ»؛ اعمال کنونی مردم باید نصب العین برای آینده شان باشد. به عنوان نمونه، والدین و مریبان به هنگام نماز باید همه ی کارهای خود را تعطیل کرده و با شنیدن اذان آماده ی نماز شوند (حالت تهیو) و این گونه رفتار عبادی اگر تکرار گردد زمینه ساز آموزش عملی دین خواهد شد و در جان و فکر کودک چنان رسوخ می کند که بیرون رفتنی نیست.

[۱] نهج البلاغه.

[۲] نهج البلاغه.

[۳] کافی، ج ۱، کتاب الکفر و الايمان.

[۴] کافی، جلد ۱، کتاب الکفر و الايمان.

اخلاق و انس



برای نفوذ کردن در شاگرد یا کودک، اخلاق خوش، مأنوس شدن با او، و رفتاری جلب کننده هم شرط است. والدین و مربیان که الگوی کار و عملند باید با کودک سنخیت پیدا کنند و رفتاری مأنوسانه از خود بروز

[ صفحه ۳۳ ]

دهند، به گونه ای که حتی مورد احترام کودک واقع شوند. برای اینکه کودک از عمل کسی درس بگیرد، لازم است آن شخص به گونه ای عمل کند که طفل، وی را دوست دارد، و از مصاحبت با او احساس غرور و لذت کند که این رمزی مهم برای جلب و جذب در همه ی سنین است.

زبان خوش، برخورد خوش، در بر گرفتن کودک، سرشار کردن او از نشاط و شادابی و دست کشیدن بر سر او به هنگام بیدار کردنش برای نماز صبح در این راه فوق العاده مؤثر است و مجموعه ی این شرایط، زمینه را برای مذهبی کردن و نمازخوان ساختن کودک فراهم می آورند. توصیه ی ما این است که هر چه محبت دارید، آن را در کیسولی بریزید و برای واداشتن کودک خود به نماز، در حلق او بیندازید؛ تا در مرحله ی اولیه ی حیات، دین را با لذت و نشاط بپذیرد.

## کیفیت القای نماز

برای پذیرش نماز و یادگیری آن و اصولاً فراگیری و جذب هر مطلب و مسأله ای حضور چند عامل به عنوان شرط ضرورت دارد:

## عامل آمادگی و توانستن

کودک را در هر سن و شرایطی نمی توان به نماز وادار کرد. نخست باید ببینیم آیا در او آمادگی برای انجام کار وجود دارد یا نه؟ دامنه ی آمادگی برای امور مورد نظر بسیار وسیع و از آن جمله عبارتست از:

## آمادگی جسمی

مثلاً برای نماز خواندن توان ایستادن و حفظ تعادل در کودک ضروری است و این به مقتضای سن کودک است و همچنین لازم است کودک:

- بیمار نباشد (که توان ایستادن از او سلب شده باشد).

- دچار سرگیجه و دل درد نباشد (که قرار و آرام در او ملاحظه نشود).

[ صفحه ۳۴ ]

- خواب آلود و در حال حیرت نباشد (که خواب آلودگی، هر لذت دیگری را در او تحت الشعاع قرار می دهد، حتی لذت خوردن و بازی را)

- خسته، فرسوده و کسل نباشد (که خود آن، روحیه ی همراهی در عبادت را از او می ستاند).

## آمادگی بیانی و لفظی

طفل برای خواندن نماز باید قادر به تکلم باشد، بتواند عبارات نماز را هرچند به صورت ناقص ادا کند و البته فصیح خوانی والدین و مربیان و ذکر صحیح اوراد و اذکار در این زمینه نقشی اساسی دارند.

## آمادگی عاطفی

کودک در شرایط عادی باشد؛ برای نمونه:

- در حال خشم یا بغض از دیگران نباشد؛ طفلی که به عللی از پدر یا مادرش عصبانی است، نماز خواندن در آن ساعت برای او عذاب آور خواهد بود و امر والدین در این زمینه روحیه ی بدی را برای او ایجاد خواهد کرد.
- در حال ترس، اضطراب، کینه و تهدید نباشد. مثل ترس از کتک خوردن، ترس از حمله ی یک حیوان، حتی ترس از موش، سگ، گربه، سوسک و...
- علاقه به خدا در دل او باشد، معمولاً این امر در سه سالگی است و در سن شش سالگی، عشق به خدا، احترام به او و حتی احساس شرمساری از خدا در صورت تخلف از دستور او، در کودک وجود دارد و این خود یک زمینه مثبت است.
- دعوت کننده به نماز مورد علاقه و احترام او باشد و کودک او را دوست بدارد. مثلاً به هنگامی که پدری کودکش را تنبیه کرده و دلش را آزرده است، دعوتش در کودک اثری نخواهد داشت. باید دقایقی بگذرد

[ صفحه ۳۵ ]

تا طفل حال و بینش اولیه ی خود را به پدر کسب کند و یا پدر قبل از نماز و بعد از تنبیه با نوازشی او را آرامش دهد.

## آمادگی روانی

- به گونه ای که عزم و اراده ی کودک برای انجام وظیفه ی عبادی با مسیر، شخصیت و خواست او همراه باشد؛
- او بخواهد که به نماز بپردازد، و البته این آمادگی در سایه ی تشویق ها و نوازشها میسر است.
- وجدانش سالم و عقلش بیدار باشد (البته این امر برای عبادت ناشی از فهم است، نه در مرحله ی تمرین و پایه گذاری که، اساس مقصد ما ایجاد عادت است).
- در مراحل بالاتر و در دوره ی نوجوانی بتواند از مفاهیم و عبارات نماز سر درآورد و همچنین از نتایج عبادت که قرب به خداوند است آگاه باشد. بفهمد و بداند که کمال چیست و دارد چه می کند. دست کم دریافتی از رکوع و

سجود در حد تعظیم و اظهار خواری در پیشگاه خداوند داشته باشد و البته تشریح‌ها و تبیین‌ها از سوی والدین و مربیان در این زمینه کارساز است.

## آمادگی محیطی

غرض ما از محیط شامل همه‌ی مکان‌ها و شرایطی است که کودک را در میان گرفته است. در این زمینه نکات زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

- جو خانه و مدرسه، جو عبادت و نماز باشد.
- اصولاً در محیط و جو آلوده، روح نمازگزاری پدید نخواهد آمد. پس در هر جای مناسب حتی در و دیوار خانه و مدرسه در سایه‌ی شعارها و آراستن‌ها، عطر نماز دهند.

[ صفحه ۳۶ ]

- والدین و مربیان خود را بافته‌ای جدا از کودک احساس نکنند، در وقت نماز همگان آماده‌ی انجام دادن آن شوند و کسی کار و وظیفه دیگری را مطرح نسازد. چنان نباشد که پدری فرزندش را به نماز دعوت کند و خود سرگرم روزنامه خواندن باشد، یا مادری فرزندش را به نماز اول وقت بخواند و خود به کار دیگری بپردازد.
- هنگام نماز برنامه‌ی جذاب دیگری در سر راه نباشد؛ مثل برنامه‌ی تلویزیون، داستان‌گویی‌ها، بگو و بخندها، غذا خوردن دیگران، بازیهای مورد علاقه کودک و...؛ این برنامه‌ها باید کاملاً تعطیل باشد و یا هنگام نماز برنامه‌ی تلویزیون باید کاملاً قطع و یا در حال ارائه برنامه‌ی نمازخوانی باشد.

## آمادگی عقیدتی

در خردسالی عقیده‌ای مبتنی بر رفتار بزرگترها برای کودک پدید می‌آید، ولی در سنین بعد به علت رشد ادراک و حصول فهم و بصیرت، خود فرد به این مرحله می‌رسد و دارای ایمان و اعتقادی خواهد شد که او را به عبادت می‌کشاند. البته اگر بخواهیم زمینه‌ی اعتقادی مناسبی را در او پدید آوریم نیاز به برنامه‌ریزی و کار و فعالیت رسمی با

کودک خواهیم داشت. از خردسالی، تعالیم مذهبی را در قالب داستان، عمل و تقریر باید در ذهن کودک بریزیم و آن را تا سنین پایان نوجوانی، مرحله به مرحله ادامه دهیم.

## رغبت و خواستن

در واداشتن کودک به نماز این اصل مهمی است که شرایط را به گونه ای فراهم آوریم که کودک آن را بخواهد و به آن راغب باشد و جداً دوست بدارد به همراه والدین برنامه ی نماز را انجام دهد. برای وصول به این مقصد از همان کودکی می توان شرایط را بدین گونه فراهم کرد:

[ صفحه ۳۷ ]

## جاذبه های ظاهری

نفس ظاهر و آرایش ظاهری، در باطن و خواست آدمی مؤثر است. بر این اساس:

- برای کودک جانماز زیبایی تهیه کنید.
- مهر و تسبیحی زیبا و پر زرق و برق برای او فراهم سازید.
- در صورت امکان حتی تهیه ی لباس زیبا و مناسبی برای پسران و لباس و چادر نمازی قشنگ برای دختران، در برنامه ی کارتان باشد.
- تزئین سخن و کلام را فراموش نکنید. عبارات نماز با جلوه ای زیبا، با صدایی خوش و نواها و ترنم هایی دلپذیر و با لحن و قرائتی جذاب باشد که دل کودک را تسخیر کند و صدای خوش از این بابت نعمتی است.

## جاذبه های معرفتی

- استفاده از ادبیات در قالب شعرها و سرودهایی زیبا برای نماز، که گاهی شما خود با کودک آن را بخوانید. بچه ها به صورت دسته جمعی در خانه، مدرسه و محل بازی می توانند آن سرودها را اجرا کنند.
- ذکر نعمت ها و محبت های خداوند و بیان مهر و دوستداری او نسبت به کودکان، لطف و محبتی که او به انسانها روا داشته و... تا اندازه ای که دل کودک به عشق خداوند گرم شود.

## جاذبه های عاطفی

- استفاده از فطرت و بیداری فطری: کودک دوست دارد از حدود ۶ سالگی با خدا حرف بزند و با او رابطه داشته باشد و شما با ترجمه ی چند جمله ی نماز، در این مسیر می توانید خواست های او را تأمین کنید.

- خوشرویی و داشتن برخوردی خوش در هنگام فراخواندن به نماز. این دعوت را با نوازش و زبان خوش همراه کنید تا کودک همواره خاطره ی

[ صفحه ۳۸ ]

خوشی از نماز داشته باشد و رابطه ی معقولی، بین شما، خودش و خداوند احساس کند.

- جاننداری عبادت یا داشتن حال در هنگام نماز و قیافه ی بندگی و عبادت به خود گرفتن که باعث جلب نظر و جذب است. این توصیه ای اسلامی است که: هرگز در حال کسالت به نماز مشغول نشوید.

- جنبه ی تهیو و آمادگی والدین برای نماز که خود در کودک مؤثر است. بدین معنی که دقایقی قبل از اذان، والدین و مربیان کار خود را جمع و جور کنند و نشان دهند که می خواهند آماده ی نماز شوند.

- استفاده از میل و حال کودکانه ی او، به این گونه که پس از نماز، گاهی او را به لذتی، نوازشی، بوسیدنی، یا شیرینی و شکلاتی مهمان کنید و حتی اگر این کار در مساجد، صورت گیرد و نیکوتر است و برای کودک خاطره ی شیرین معنوی در سایه ی ارتباط با لذات مادی که نوعی تجلی لذات بهشتی است، پدید می آید.

- در سنین بعدی، از شرایط تبشیر و انذار الهی هم می توان استفاده کرد که البته باید اقدامی محتاطانه باشد و پس از طی مراحل که ذکرش گذشت صورت گیرد، آن هم در سنین حدود ۱۰ سالگی و به شرط انجام وظیفه از جانب شما و سرکشی از سوی او.

در کل فراموش نکنیم که نماز از یک نگاه، نمایش است، نمایش اطاعت، و فرمانبرداری و باید آن را جالب جلوه داد؛ طوری که کودک محیط خانه را چون زندان نشناسد و پدر یا معلم را چون مأمور تنبیه، شکنجه و اعدام به حساب نیابد.

## آسان گیری ها

این نکته ای مهم است که در سالهای اول و مخصوصاً دوران خردسالی، در نماز به گونه ای عمل کنیم که کودک احساس جبر و خستگی

[ صفحه ۳۹ ]

نکند. نماز را برای او امری سنگین و کسل کننده نسازیم. به مصلحت اوست که نمازها، با ذکرهای طولانی و رکوع و سجود خسته کننده و طولانی نشود. حتی مستحب است برای کودکانی که با شما به نماز ایستاده اند، آن را سریع تر بخوانید. از برخی اذکار مستحبی صرف نظر کنید. هشیار باشید که او طفل است و حال و روحیه شما را ندارد؛ به ویژه که از بسیاری حالات و رفتار شما سر در نمی آورد و معنی عبارات شما را نمی فهمد.

ممکن است کودک در سنین خردسالی در وسط نماز به دنبال شیئی جذاب بدود، پرنده ای، حیوانی، نظر او را جلب کند و او به دنبالش روان شود. طبیعی است که در چنین صورتی نماز او باطل می شود، اما پس از نماز وی را مورد بازخواست قرار نمی دهیم، بلکه بعدها، در فرصتی مناسب، به صورتی دوستانه و حتی با خنده و شادی می توانیم به او بفهمانیم که اشتباه کرده است. در ضمن سعی داریم، در طول مدت چند سال، به تدریج، و هنگام احساس نیاز، مبطلات نماز و مقدمات و مقارنات آن را به او بیاموزیم. هرگز نمی خواهیم که او مقدمات نماز و یا مبطلات آن را طوطی وار حفظ کند و برای ما بشمارد. حفظ مطالب، غیر از فهم عملی آنهاست.

او در دوران خردسالی باید نماز را نوعی بازی و تفریح، و نوعی همگامی با پدر و مادر، حتی در حد راضی کردن والدین و جلب نظر آنان به حساب آورد، نه یک جبر و تحمیل، و نه برای یافتن یک حالت شور و وجد عارفانه! والدین و مربیانی که اصرار دارند، حتی از روی جبر و اکراه بدون توجه به حال و روحیه ی کودک، او را نمازخوان بار آورند، ناخودآگاه موجب پیدایش لامذهبی های آینده و پرورش افرادی عقده ای می شوند. چنین

[ صفحه ۴۰ ]



افرادى در نخستين فرصتى كه به قدرت و استقلالى دست يابند، ترك دين و عبادت خواهند گفت و ما شواهد و نمونه ها در اين زمينه كم نداريم. طبيعى است كه مسئوليت اين وضعيت اسفبار بر عهده ي كسانى است كه چنين زمينه اى را فراهم ساخته اند.

## تکرار و مداومت

بر مبنای شاکله ی انسان، در ایجاد رفتاری ثابت و عادت‌ی استوار باید از مجرای تکرار وارد شد. بسیاری از افکار و اعمال در سایه ی تمرین و تداوم عمل در انسان تثبیت می شوند؛ حتی ایمان آدمی هم نوعی تثبیت در سایه ی عمل است، «لَا يُثَبِّتُ الْإِيمَانَ إِلَّا بِالْعَمَلِ» [۱] و هر اندازه عمل تکرار گردد، امکان تثبیت آن بیشتر خواهد بود.

همچنین در تربیت دینی این اصل وجود دارد که: از راه ظاهر و عمل ظاهری می توان در باطن نفوذ کرد و برعکس. کودک را باید به ظاهر عمل و تکرار در این ظاهر انس دهیم تا باطن او شکل گیرد. تجارب و تعالیم عملی نشان داده اند که حتی عملی ریایی در صورت تکرار در فردی تثبیت می شود و پس از تثبیت می توان یک عمل ریایی را به صورت واقعی و بی ریا درآورد، به آن شرط که نیت عمل عوض شود.

این مسأله نیز تا حدی نافذ است که باید گفت حتی گریه ی مصنوعی فردی ممکن است به گریه ای واقعی منجر شود، یعنی «تباکی» ها ممکن است به «بکاء» مبدل گردد. گاهی ممکن است فردی به ریا در حضور جمعی نماز شب بخواند. تکرار این عمل ریایی در شبهای متوالی او را به عادت می کشاند. او شاید پس از کسب عادت، واقعاً ریا را ترک کند و فردی اهل تهجد شود.

بدین سان ما کودک را به تکرار ظاهر در عبادت سوق می دهیم تا زمینه

[ صفحه ۴۱ ]

برای انس او به عبادت، تثبیت عمل و ایجاد عادت در او فراهم آید، بویژه که طبیعت کودک هم، طبیعت تکرار است. این عمل ضمن اینکه یک طریقه ی تربیت دینی است، عاملی برای سرگرم نمودن کودک و ایجاد لذت برای او هم خواهد بود.

کودک از تکرار مکررات خسته نمی شود، خواندن مکرر، ذکر مکرر، مخصوصاً اگر به صورت صوت و آواز و آهنگین باشد، کاملاً آن را پذیراست. مادران ما این را به خوبی درمی یابند، چرا که فرزندشان شعر و عبارات ساده ای را حفظ کرده، از بام تا شام به آن سرگرم می شود.

همچنین تکرار عامل فراگیری است و به همین خاطر توصیه کرده اند: «الدرسُ حَرْفٌ، وَ التَّكْرَارُ أَلْفٌ» تکرار، عامل ایجاد عادت می شود که دست برداشتن از آن حتی در عبادتی چون نماز مایه ی نگرانی کودک می شود «لَوْ تَرَكَوا إِسْتَوْحَشا» [۲]؛ اگر آن را ترک کنند به وحشت و ترس می افتند.

تکرار در عمل حتی مایه ی از بین رفتن کراهت و نفرت است. عمل جراحی یک پزشک و یا کار یک فرد در آزمایشگاه با خون، مدفوع، انگل ها و نمونه برداری از بافت ها، در آغاز کراهت آور است، ولی کار تدریجی و اشتغال مکرر، زمینه ی کراهت را از بین می برد.

[۱] کافی، جلد ۱، کتاب الکفر و الایمان.

[۲] نهج البلاغه.

## رعایت ضوابط

در ضمن آموزش عملی نماز، آموزش ضوابط هم مورد نظر است: به این گونه که تدریجاً به کودک می آموزیم چه چیزهایی نماز را باطل می کند، و گفتیم که بیان مبطلات به صورت تدریجی و عملی است. به او می گوئیم که مثلاً راه رفتن، حرف زدن، خوردن و آشامیدن در هنگام نماز، آن را باطل می کند و این آموزش به صورت حفظ طوطی وار و شماره

[ صفحه ۴۲ ]

کردن آن ها نیست. برای اطمینان از این امر که آیا مبطلات نماز را می داند یا نه، به او می گوئیم: «من نمازی را پیش تو می خوانم، ببین نماز درست است یا باطل؟ و اگر باطل است به چه علت؟» در حضور او به نماز می ایستیم. در ضمن قرائت یا رکوع ناگهان راه می رویم، یا حرف می زنیم، تا او اشکال کار ما را بگوید و مثلاً یادآور شود که نماز با راه رفتن، باطل است.

همچنین است آموزش دیگر مسائل مربوط به نماز مثل وضو و اعمال عبادی دیگر و این شیوه ی عملی، شیوه ای است که رسول خدا صلی الله علیه وآله آن را مورد توجه و رعایت قرار می داد و مبتنی بر اصیل ترین قواعد تربیتی، یعنی اصل ارائه الگوست که کاربردش در همه ی سطوح، مخصوصاً در سطح کودکان نافذ است.

می خواهیم بگوئیم آموزشهای نظری، نه تنها همیشه آموزنده نیست، بلکه در بسیاری موارد ذهن افراد را خسته می کند. این که بخواهیم کودک واجبات نماز را حفظ کند و طوطی وار آنها را برای ما بیان نماید، خواسته ای نابجا و غیرمعقول محسوب می شود تا حدی که ممکن است نماز را (مثل درس تاریخ، جغرافیا، یا فرمول معادلات ریاضی)

چیزی منفور سازد. کودک از طریق آموزشهای عملی باید به این فرمولها دست یابد یا چیزی را به ذهن محفوظ دارد.

## تکیه بر تدریج

- می دانیم که گردش و کارگردانی نظام آفرینش بر اساس اصل مداومت، ولی تدریج است:
- خداوند آسمان و زمین را در ۶ مرحله آفرید، با اینکه می توانست یکباره بیافریند.
- جنین در شکم مادر بر اساس اصل تدریج رشد می کند، همان گونه

[ صفحه ۴۳ ]

که گیاه و نهال هم رشدی تدریجی دارند.

- تعالیم اسلامی تدریجاً بر مردم عرضه شد و قرآن هم تدریجاً بر مردم نازل شد.
  - شراب و ربا هم (بعنوان دو مسأله ای که در عربستان قبل از اسلام رواج داشت) تدریجاً صورت تحریمی پیدا کردند.
  - و مجموعاً مردم به تدریج وارد در دین اسلام شدند و فراگیری و عملشان صورت ناگهانی نداشت.
  - افرادی چون: اباذر، مقداد، حجر، میثم و... هم تدریجاً به چنان مقاماتی دست یافتند.
- بدین سان ما نباید بخواهیم، یا نباید انتظار داشته باشیم که کودک، یکشنبه اهل عبادت و نماز شود. برنامه ی واداشتن و عادت دادن او به نماز باید بر اصل تدریج مبتنی باشد. کودک نباید یکباره بار سنگینی از وظایف دینی را بر دوش خود احساس کند و خود را به انجام دادن آن موظف بداند. حتی در مسأله وضو که مقدمه ای واجب برای نماز است توصیه شده است که کودک از ابتدا تا چند ماه به شستن دست قناعت کند و آنگاه تا چند ماه به شستن دست و صورت قبل از نماز بسنده نماید و از سن ۹ سالگی به بعد وضوی کامل بگیرد. غرض اینکه همه ی امور آموزشی و اجرایی دین باید تدریجی باشد.

## تشویق و تأیید

- نماز را با تشویق و تأیید همراه کنید. عمل کودک را در این زمینه مورد ستایش قرار دهید و آن را مهم بشمارید، آنچنان که عظمت کارش را دریابد.

- در فرصت های مناسبی او را به عنوان کودکی نمازخوان معرفی کنید و وی را به آن خاطر مهم بشمارید.

[ صفحه ۴۴ ]

- کارهای او را به اسم نماز ستایش کنید مثلاً بگوئید:

- چون کودک نمازخوانی هستی خدا به تو کمک خواهد کرد. چون نمازخوان هستی خدا تو را دوست می دارد و...

- آفرین بر تو پسرم! که با نماز خواندنت داری بهشتی می شوی و خدا را از خودت راضی می کنی.

- مرحبا بر پسرم که می خواهد در بهشت باشد، کنار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) باشد، کنار علی علیه السلام باشد و...

- آفرین بر دخترم که با نماز خواندن خود می خواهد مثل فاطمه زهرا (سلام الله علیها) باشد، دوست و همراه زینب (سلام الله علیها) باشد.

- از وقتی که نمازخوان شده ای، تو را بیشتر دوست می داریم، عمه، خاله، عموی تو هم برای نمازخواندنت تو را بیشتر دوست دارند.

- چون وضو می گیری و نماز می خوانی، صورتت همیشه نورانی است. آدم نمازخوان در بهشت هم صورت درخشنده ای دارد و نزد خدا عزیز است و...

## شرایط القاء

برای اینکه شرایط برای جلب و جذب کودک فراهم باشد، به تناسب سن، رشد ادراک و فهم و بصیرت او باید به نکات ذیل توجه کنیم:

- آسان گرفتن عمل نماز، به صورتی که طفل به سادگی بتواند آن را تحمل و اجرا کند.
- جاذب و دلربا ساختن این عمل (که از آن سخن گفتیم) فراموش نکنید که در این مورد زرق و برق هم جایی دارد.
- صراحت و روشنی عبارات، کلمات، اذکار و افعال که این خود عاملی مهم در رغبت انگیزی است.

[ صفحه ۴۵ ]

- قابل فهم بودن عمل، مثلاً به او تفهیم کنیم که رکوع نوعی تعظیم و بزرگ شمردن خداست. بی حرکت ایستادن و مؤدب بودن در حال نماز یعنی ما در برابر دستگاه عظیم الهی باید خاضع باشیم.
- فهم مقاصد نماز در قالب مثالها و داستانها و شرح و توضیحات شما، که این کار هم صورت تدریجی دارد.
- ورود به عرضه و ارائه عملی نماز و نمایش آن توسط پدر، مادر، معلم یا افرادی که محبوب و مورد علاقه اند.
- هدایت کودک و رفع اشکال های او در ضمن عمل، آن هم نه یکباره؛ مثلاً اصرار نداشته باشیم حتماً تجوید نماز و مخارج ادای کلمات او را در فاصله ی یکی دو روز، اصلاح کنیم.
- آشنایی با کیفیت ها و مواضع مربوط به نماز، مثلاً آشنایی با حالت سجده، تشهد، رکوع، طمأنینه، توالی و...
- رعایت تقدم و تأخر مسائل، جمع بودن حواس، و... که همه ی این امور در عین رعایت مداومت باید بر اساس اصل تدریج باشد.

## نحوه ی تمرین و عمل

در مورد نحوه ی عمل برای واداشتن کودک به نماز در خانه و مدرسه، می توان به صورت زیر عمل کرد، آنچه ذیلاً ذکر می شود تنها بعنوان مثال و نمونه ای است و هر کس به تناسب طرز فکر و تجارب خود می تواند به نوعی دیگر عمل کند.

## در خانه

فرض کنید والدین در خانه ای می خواهند نماز بخوانند.

## شرایط عمومی

خانه را باید آماده و برای نماز چنین زمینه سازی کرد:

[ صفحه ۴۶ ]

- دقایقی قبل از نماز، والدین آماده ی تطهیر شوند و وضو بسازند.
- با شنیدن صدای اذان، والدین آماده، رو به قبله بنشینند و جمله های اذان را زمزمه کنند؛ حتی از فرزندشان بخواهند که او هم اذان بگوید.
- دعوت از پسر یا دختر، با محبت و خوشرویی، برای نماز؛ که: وقت نماز و زمان سخن گفتن با خداست، بیایید آماده شوید که نماز بخوانیم.
- جانمایی زیبا، مهری قشنگ و تسبیحی زیبا برای او تهیه نمائیم.
- از جاذبه های کلامی مناسب، و عبارات موزون استفاده کنید.
- تسریع در آمادگی برای نماز، به گونه ای که کودک احساس مسئولیت والدین را در آن مورد دریابد و ببیند که آنها همه ی کارهای خود را به خاطر نماز رها کرده و آماده ی انجام فریضه الهی شده اند.

## نحوه ی بیدار کردن کودک

- هنگام صبح برای اجرای برنامه ی نماز در خانواده، بر طبق دستور صریح اسلام پدر مسؤول است. او برای انجام این مسئولیت، خود باید زودتر از دیگر اعضای خانواده بیدار شود و از جای برخیزد (البته پدران و مادرانی هم هستند که اهل نماز شب هستند و قبل از اذان بیدارند).

- آنها که خسته اند یا خوابی سنگین دارند بهتر است با صدای زنگ ساعت بیدار شوند و این، برای افراد خانواده عادت شود.

- پس از بیداری، فرزندان خود را با صدای خوب، گرم و دلپذیر بیدار کند - به این صورت:  
علی جان من، فاطمه جان من، برخیز، وقت نماز است... و آنقدر صدا کند تا آنها هشیار شوند و پس از هشیار شدن آنان را به خود رها کند و خود به دنبال تطهیر و وضو رود.

- پس از برگشت اگر بچه ها را در حال خواب دید مجدداً با همان صدا و نوازش آنها را صدا کند تا هشیار شوند. و وقتی هشیار شدند و

[ صفحه ۴۷ ]

جواب دادند آنها را به خود رها کند و خود بالای سر آنها با صدای بلند نماز را شروع کند.  
- پس از نماز اگر باز هم آنها در خواب ماندند، به سراغشان برود و با صدای دلپذیر، با دست کشیدن بر سر و روی آنها، با نوازش بدنی، گاهی هم تحت عنوان شوخی با بچه ها، به صورت بغل کردن آنها، بیدارشان کند، به دستشویی راهنمایی شان نماید و حتی صورتشان را بشوید تا کاملاً هشیار و آماده نماز شوند.

در همه حال باید کوشید خاطره ی بیدار کردن برای نماز را برای بچه ها دلپذیر ساخت، به گونه ای که از آن صحنه ها خاطره ی تلخی در ذهن نداشته باشند. به نظر ما اگر این کار تنها به مدت یک هفته بطور منظم تعقیب شود، به صورت عادی مناسب در آنان باقی خواهد ماند و یا حداقل از آن احساس سنگینی نخواهند داشت. مهم این است که همه ی مهر و محبت خود را در بیدار کردن کودکان و انجام فریضه شان صرف کنیم.



## در هنگام نماز

ممکن است پس از ذکر اقامه ی نماز، در هنگام انجام مراحل آن چیز جالبی توجه فرزندتان را به خود جلب کند و به دنبالش روان شود. گفتیم که نباید از وی بازخواستی به عمل آورد، مگر در سنین پس از ۸ و ۱۰ سالگی، ضمن خنده ای پس از نماز در فرصتی به او می گوییم که این کار تو نماز را باطل می کند و اگر آدم بزرگی در حین نماز چنین کند باید نمازش را از اول بخواند؛ از سرزنش، تمسخر و تهدید در این موارد باید پرهیزیم.

گاهی ممکن است فرزند شما در حال سجده در نماز صبح به خواب رود. برای بیدار کردن مجدد او هرگز از خود خشونت نشان ندهید، و مهر و عنایت شما باید همچنان تداوم یابد.

## در مدرسه

در مدرسه نیز باید شرایط را برای نماز خواندن مساعد کرد. در این راه والدین، معلمان، مدیران و دیگر مسئولان باید به صورت هماهنگ عمل کنند. بر مبنای یک تجربه علمی، شرایط محیط خانه، جو مدرسه و نحوه عملکرد مربیان، مسئولان و حتی کیفیت دعوت آنها به نماز، در کودکان و دانش آموزان تأثیر گذار است. گفتنی است که روش موجود آموزش دینی و اقامه نماز در بسیاری از مؤسسه ها نه تنها افراد را متدین و نمازگزار بار نمی آورد، بلکه به علت خشکی و خشونت، گاهی موجب وازدگی از نماز، مسخره کردن آن، ادا درآوردن در حال نماز و سرانجام بی رغبتی به دین خواهد شد، که این خود نیازمند تحقیق، بحث و بررسی جداگانه ای است.

## تجربه ای عملی

سالها در کلاس اول ابتدایی، تدریس می کردم. در آن ایام در کلاس، هر روز تمرین و اجرای برنامه ی نماز را داشتیم. روش اجرای برنامه ام که طرفداران بسیاری، (از کودکان، والدین آنها، معلمان و مربیان) داشت، چنین بود:

- بچه ها در کلاس در حالی که روی نیمکت ها نشسته بودند، آماده ی انجام نماز می شدند.
- نخست یک بار حمد و سوره را برایشان با صدای بلند می خواندم تا گوششان به عبارات آشنا شود.
- آنگاه همه با هم، هم صدا، با لحنی خوش، سوره ی حمد را می خواندیم در حالی که دستها روی زانوها بود.
- سپس به ترتیب سوره ی توحید را می خواندیم، بعد اذکار رکوع، سجود، قنوت، تشهد و... را می گفتیم.

[ صفحه ۴۹ ]

- بچه ها همچنان که روی نیمکتها نشسته بودند برای رکوع کمی خم می شدند.
- برای سجود پیشانی را روی میز می گذاشتند و ذکرها را هم صدا بیان می کردند.
- حالی بود و علاقه ای. بچه ها این برنامه را بسیار دوست می داشتند، تا حدی که آن را یک روز هم تعطیل نمی کردند. اگر روزی غفلتی از من در اجرای برنامه ها صورت می گرفت، آن را یادآوری می کردند. پس از چند ماه

تمرین عملی در کلاس، اجرای برنامه ی نماز را به حیاط مدرسه، یا به نمازخانه می بردیم و دانش آموزان کلاسهای دیگر نیز این برنامه را تماشا می کردند.

## آموزشهای جنبی

همراه نماز، مسائل آن، از مقدمات، مقارنات و مبطلات به صورت عملی آموخته می شد؛ مثلاً به آنها این نکات را می آموختیم که وقت نمازهای پنجگانه کدامند، در هنگام نماز بدن باید پاک باشد، باید رو به قبله بایستیم، خوردن و آشامیدن نماز را باطل می کند و...

گاهی برای بچه ها نماز می خواندم و می گفتم: ببینید کدام عمل من غلط است. در وسط نماز غذایی، را به دهان گذاشتم، بچه ها فریاد می زدند: «نماز باطل است، چون غذا خوردی». یا در میان نماز راه می رفتم، آنها فریاد می زدند: «باطل است چون راه رفتی» و...

این برنامه برای بچه ها بسیار لذت بخش و حتی جنبه ی تفریحی داشت، لذا اصرار می کردند که برنامه ها تکرار شود. حاصل کار ما بسیار خوب بود. رغبتی به نماز در آنان پیدا شده بود. به نماز انس و ارادتی نشان می دادند و از آن احساس جبر و عقده ای نداشتند. هم اکنون بسیاری از آن شاگردان را می شناسم که مردی شده اند و بزرگ هستند، ولی هنوز

[ صفحه ۵۰ ]

از خاطره ی خوش ۳۰ سال قبل خود حرف می زنند و از آن به خوبی یاد می کنند. پس از مدتی برنامه آموزش عملی وضو انجام می شد. در حیاط مدرسه بچه ها را دور خود جمع می کردم و در حضور آنان وضو می ساختم. روش شستن دستها و صورت، مسح سر و پاها را عملاً یاد می دادم. آنگاه آنان را به تمرین فردی برای وضو گرفتن واداشته، اشتباه های ایشان را رفع می کردم که به این کار هم رغبتی داشتند و با شور و شوق در آن شرکت می کردند. در کلاس اول دبیرستان هم به یاد دارم برنامه ی وضو، تیمم، و آموزشهای عملی دیگر را برای بچه هایی که در آستانه ی بلوغ بودند، اجرا کردم و به نظر من برنامه ی موفق بود.

## فعالیت های جنبی دیگر

با اجرای برنامه های آموزشی نماز، برنامه ی تشویق نمازخوان ها را هم در مدرسه داشتیم، بطوری که تشویق ها در کلاس، در سر صف، و در مقتضایی که پدید می آمد مطرح می شد و با این کار عمل نمازخوانی را در مدرسه و در سر صف مورد تقدیر قرار می دادیم. حضور در برنامه ی نماز، عملی مهم به شمار می آمد و از این مسأله چنان با عظمت یاد می شد که بچه ها اصرار داشتند خود را در صف نمازخوانان حاضر سازند.

در روزهای آفتابی، نماز در وسط حیاط مدرسه و در معرض دید دیگران برپا می شد. بچه ها خود مایل بودند در برنامه ی نماز شرکت کنند. هیچ گونه جبر و تهدیدی برای نماز وجود نداشت و این عدم اصرار، خود عامل جلب کننده ای بود. البته در مدرسه و کلاس، نمازخوانها بیشتر مورد عنایت قرار می گرفتند و این خود عامل دیگری برای جلب و جذب به حساب می آمد؛ حتی در مواردی تشویق ها را به اتکای نماز قرار می دادیم و از تنبیه ها صرف نظر می کردیم. مثلاً می گفتیم: «چون تو

[ صفحه ۵۱ ]

شاگردی نمازخوان هستی از گناه تو درگذشتم؛ چون کودک نمازخوانی هستی، تو را بیشتر دوست می دارم؛ چون نمازخوان هستی، به تو احترام می گذارم؛ چون نمازخوان هستی و دروغ نمی گویی حرف تو را باور دارم و...».

گاهی در مدرسه به کودک سلام می کردیم و می گفتیم: «سلام بر تو ای احمد آقا، پسر خوب و نمازخوان. احوال تو پسر نمازخوان چطور است؟ مرا در سر نماز دعا می کنی یا نه؟ من در نماز، تو و همه ی بچه های نمازخوان را دعا می کنم و...».

کلاً در حضور این و آن به نماز و نمازخوان تکیه می شد و سعی می کردیم نمازخوان را همدیف پاک، تقوا، راستگویی، امانتداری، پرهیز از کارهای زشت و ناپسند به شمار آوریم و نمازخوانان را واداریم که به برکت نمازخوانی ترک دروغ، تبلی، و بد اخلاقی گویند و...

## القآت لازم

از مسائل مهم در آموزش و اقامه ی نماز، همراه کردن آن با القآت سازنده و جهت دهنده است. این القآت در دو بعد مورد عنایت قرار می گیرند:

### بعد اثباتی

همراه با نماز دائماً به کودک القاء شود:

- چون بچه نمازخوانی هستی، خدا تو را بیشتر دوست دارد.
- من که پدر و مادر تو هستیم تو را به خاطر نماز خیلی بیشتر از وقتی که نماز نمی خواندی دوست می دارم.
- پسر نمازخوان است و خدا نمازخوان را به بهشت می برد.
- خدا از آدم نمازخوان راضی است، من هم از تو راضی هستم.

[ صفحه ۵۲ ]

- حتی اشکال ندارد در حضور مهمانان از پسر یا دختر خود تعریف کنیم که: «پسر احمد، بحمدالله بزرگ شده و نماز می خواند. دخترم فاطمه بزرگ و فهمیده شده است، به همین علت نماز می خواند. او می داند نماز خواندن نوعی حرف زدن با خدا و نزدیک شدن به خداوند است، او با خدا حرف می زند، با خدا دوست شده است و...».

در همه حال مفهوم نماز و نمازخوانی را باید با لغات و کلماتی از قبیل بزرگ بودن، فهمیده بودن، رضای خدا، بهشت و جاودانگی، نعمت و رحمت، دوستی و علاقه و... همراه کرد.

### بعد نفیی

در القآت مربوط به نفی مصداق های گوناگون: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» را به او تفهیم می کنیم؛ مثلاً به او یادآور می شویم که:

- تو آدم نمازخوانی هستی، دروغ گفتن از کسی که نماز می خواند، بعید است.
- در مورد تو که آدم نمازخوانی هستی، باور ندارم که پدر یا مادرت را اذیت کنی.

- آدم نمازخوان که تنبل، بیکاره و تن پرور نمی شود.
- آدم نمازخوان که تقلب نمی کند، ادای کسی را در نمی آورد، دزدی نمی کند.
- آدم نمازخوان که حرف بد نمی زند، کار زشت نمی کند، مسخرگی ندارد.
- این القآت باید به صورت پیاپی و برای موارد خاص، بیشتر مورد اتکا باشد.

## اثر بخشی القاء

برای این که القآت مؤثرتر و نافذتر باشد، در مراحل بعدی حیات

[ صفحه ۵۳ ]

می توان زمزمه ها و تذکراتی داد که اغلب آنها:

- تذکراتی پس از آموزش ظاهر است، یعنی اول اسکلت کار را آموزش می دهیم، و بعد جنبه های دیگر را.
  - تذکراتی پس از تمرین ها و ایجاد عاداتهای لازم برای امری مانند نماز صورت می پذیرد.
  - تذکراتی با رعایت اصل تدریج، مراقبت و مداومت است.
- البته ذکر فضایل نماز و یادآوری نقش آن در سازندگی ها و رشد جنبه های اخلاقی و انسانی، خود در این راه مؤثر است و والدین و مربیان این مسئله را پیوسته باید متذکر شوند.
- در سنین نوجوانی به تدریج می توان مسئله قرب به خدا را برای او مطرح کرد، مخصوصاً از این بابت که در این مرحله احساس مذهبی در نوجوانان بیدارتر می شود. او می تواند در شأن و شرایطی باشد که حضور خود را در پیشگاه خداوند یا قرب به او را احساس کند، جهان را محضر خدا بداند و پیوسته به یاد او و با احساس حضور او باشد.

## آغاز دعوت و تمرین

در مورد این که از چه سنی کودک را به نماز و تمرین جهت انجام عبادت واداریم. نظریات مختلفی وجود دارد: نخست باید این نکته را متذکر شویم که بر اساس بررسیهای روانکاوان، حس یا احساس مذهبی در انسانها از چهار سالگی و به نظر عده ای دیگر از ۲ تا ۳ سالگی بیدار می شود. البته بیداری و شکفتگی مذهبی و احساس مسئولیت درباره ی آن (که با احساس مذهبی متفاوت است)، از سنین پس از ۱۱ سالگی ایجاد می گردد. این احساس در ۶ سالگی به همراه رشد کودک آشکار می شود و ما تظاهرات آن را در کودکان می بینیم. به همین جهت

[ صفحه ۵۴ ]

اعتقاد داریم که تمرین نماز باید از خردسالی و حتی از سن سه سالگی آغاز شود، که کیفیت آن را بیان خواهیم کرد. اتفاقاً این فکر در دنیای غرب هم وجود دارد. «جان لاک» که از فلاسفه و صاحب نظران مهم غرب است در کتاب خود می نگارد: «تصور خدا را از همان آغاز کودکی [باید ایجاد کنیم] و عشق و احترام به او را در کودک بیدار کنیم.» [۱].

دیگران هم نظر داده اند که درباره ی خدا و مذهب از چهارسالگی می توان با کودک سخن گفت. (البته سخن در مورد عدل، نبوت، امامت و معاد در این سن هنوز زود است). رغبت به خدا را هم از همان سنین می توان در وی پدید آورد، طوری که خدای را دوست بدارد، همچنانکه پدر و مادر خود را دوست می دارد. مراحل آن: مانند آموزش یا پرورش دیگر جنبه های مذهبی، می توان در این آموزش هم سه مرحله را مد نظر قرار داد:

[۱] اندیشه هایی در تربیت، صفحه ۳۱۴.

## دوران تمهید

که در واقع دوران پایه گذاری ها و آشنایی ها و دوره ی آمادگی دادن است. در این مرحله چشم کودک را باید به ادا و اطوار و حرکات نماز آشنا کرد و بر این اساس از همان دوران خردسالی کودک، پدر و مادر باید نماز را در

جلوی دیدگان کودک و در وقت بیداری او بخوانند تا او این اعمال و رفتار را ببیند و از این دیدنها، تشکلی ذهنی برای او حاصل شود.

از خردسالی باید گوش کودک را به زمزمه ها، آواها، ترنم ها و لحن نماز آشنا کنیم تا او نغمه های الهی را از زبان پدر و مادر بشنود و به اصطلاح: گوش او با آن صداها و نغمه ها پر شود و این شنیدن هم امری مأنوس برای کودک گردد.

[ صفحه ۵۵ ]

## دوران تمرین

که در آن کودک را به نماز دعوت می کنیم و به نظر ما این امر از سه سالگی قابل اجرا است. به این صورت که:

- در وقت نماز بچه ها را به شکلی مناسب صدا می کنیم؛ مثلاً می گوئیم:
- علی جان! بیا، وقت نماز شده، می خواهیم نماز بخوانیم.
- فاطمه جان بیا، می خواهیم نماز بخوانیم، می خواهیم با خدا حرف بزیم.
- پسر م بیا، اذان گفتند. اذان یعنی: خدا ما را دعوت کرد که با او حرف بزیم، نماز بخوانیم.
- در این رابطه سعی داریم که این کار صورت اجبار نداشته باشد (در این باره بحث خواهیم کرد).
- در هنگام تمرین، معیارها و ضوابط را آرام آرام و در طول چند سال به او می گوئیم.
- او را عملاً با مقدمات و مقارنات نماز آشنا می سازیم (همان طوری که بحث آن گذشت).
- سعی داریم برنامه ی کار، بازی، مشق و تفریح او را طوری منظم کنیم که با برنامه ی نماز برخورد نداشته باشد و البته مسؤولان صدا و سیما هم برای این ساعت برنامه ی دیگری تهیه کنند که جهت دهنده ی کودک به سوی نماز باشد.

## دوران تکلیف

غرض، دوران تکلیف نسبت به نماز و واداشتن کودک به آن است و آن مرحله ای است که کودک به حد رشد و تمیز رسیده، احساس مذهبی در او علنی و نمودار شده است و این امر حدود سنین ۶ تا ۷ سالگی است.



در این سن کودک در شرایطی است که می تواند بار عبادت را در حد توانایی خود بر دوش کشد. او کفایت و لیاقت مطلوب برای نماز خواندن را به دست آورده، می تواند سر پا بایستد و چند دقیقه به افعال نماز بپردازد. روایات ما هم در مورد این سن نظر دارند و نماز را در این سن مورد تأیید قرار می دهند. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «ما فرزندانمان را از پنج سالگی به نماز وادار می کنیم و شما از ۷ سالگی آنها را به نماز خواندن امر کنید» [۱] در روایتی دیگر آمده است: «وقتی کودک ۷ ساله شد، دست و رویش را به بهانه ی وضو بشوید و نماز بخواند و چون ۹ ساله شد، با وضوی صحیح و کامل نماز بخواند» [۲].

[۱] وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲.

[۲] وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳.

## راهنمای ما در اجرای نماز

راهنمای ما در اجرای برنامه ی نماز در دوران کودکی و نوجوانی چند اصل است که در روانشناسی تربیتی از آن بحث شده، و مورد عنایت صاحبنظران است.

### اصل پیشدستی

پیشدستی یعنی اقدام قبل از زمان مورد نظر ما، در امر آفرینش پیشدستی را به صراحت و عیان می بینیم. به عنوان مثال قبل از ولادت کودک خداوند پستان مادر را پر از شیر کرده است و این یک پیشدستی است؛ به این معنا که هنگام ولادت غذای او آماده باشد.

نمونه ی دیگر: بذری است که خداوند شاخه و برگ و گل و میوه را در نهاد آن قرار داده است؛ وقتی که بذر از خاک سر بر می آورد، آن اعضاء از این بذر پدید می آید. طفل در دوران جنینی دست و پا و دیگر اعضاء را پیدا می کند تا پس از

[ صفحه ۵۷ ]

ورود به این جهان آنها را به کار گیرد و این یک پیشدستی است.

راهنمای ما، در تربیت کودک، آفرینش است که بر این اساس، پیشدستی در تربیت باید مورد نظر باشد؛ یعنی قبل از اینکه کودک به بلوغ و دوران وجوب نماز برسد باید جنبه ی اجرا و عادت به آن را دریابد. امام صادق علیه السلام فرمود: «أَوْلَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثَ الَّتِي إِذَا صَارُوا كِبَارًا احتاجُوا إليها» [۱] ؛ سزاوارترین چیزی که به افراد نسل نورسیده باید آموخت چیزی است که وقتی بزرگ شدند به آن نیاز دارند. و این نوعی پیشدستی را نشان می دهد.

یا در امر دین آموزی فرمود: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَعَةُ» [۲] فرزندان خود را با داستان و سخن دین آشنا کنید، پیش از اینکه عوامل گمراه کننده بر آنان دست یابند. این حدیث نیز نشان دهنده ی نوعی پیشدستی است.

[۱] وسایل الشیعه، جلد ۳.

[۲] کافی جلد ۱، صفحه ۴۷.

## اصل پایه گذاری و تمرین

در این اصل مقصد ما آن است که زمینه و شرایط به گونه ای فراهم آیند که نمازخوانی به صورت امری پایه دار در کودکان درآید و آنان تمرینهای لازم را برای انجام این فریضه انجام داده، آمادگی کافی یافته باشند. در رعایت این اصل، اصول دیگری هم مطرح و مورد نظرند که هر کدام در روان شناسی روز برای خود جای پائی دارند و با شرایط رشد و فطرت هماهنگ می باشند؛ مثل:

الف) اصل تلقین پذیری: این اصل در دوران خردسالی در کودک فوق العاده شدید است و باید از آن استفاده کرد.

ب) اصل انعطاف پذیری: بر اساس این اصل کودک را به چوب تر تشبیه کرده اند که قابل خم و راست شدن است.

[ صفحه ۵۸ ]

ج) اصل تأثیر تعلم در خردسالی: بر اساس این اصل، تعلیم کودک را چون نقش در سنگ خوانده اند: «التعلمُ فی الصِغَرِ کَالنَّقْشِ فی الْحَجَرِ».

د) اصل نظم و سازماندهی: این اصل در دوران کودکی فوق العاده مورد علاقه ی طفل است.

ه) اصل تقلید: در همه ی کودکان به صورتی طبیعی و عادی وجود دارد.

و) اصل همانندسازی: بر مبنای این اصل کودک سعی دارد خود را همانند الگوی مورد نظر سازد.

ز) اصل تشکل ذهنی در کودکی: طبق نظر روان شناسان، دوران کودکی دوران تشکیل ذهن و دوران رنگ گیری یافته ها می باشد.

ح) اصل تشکیل شخصیت: مطابق این اصل جنبه های ظاهر و باطن درآمیخته، سازمان متحرکی را از کودک به وجود می آورند.

ط) اصل تشکل اخلاق مبنی بر این که روان شناسان تشکیل هفتاد درصد از اخلاق را در همین سنین (تا ۶ سالگی) می دانند.

و....

## اصل فریضه سازی

و آن به این معنا است که بر اثر مداومت در اجرای برنامه ای، کاری کنیم کودک فعالیت عبادی خود را به صورت امری واجب و دائمی درآورد و همیشه خود را به رعایت آن ملزم بداند. فریضه سازی خود به دو صورت است:

الف - به صورت تحمیل اجبار و اکراه که در آن طفل را به عملی، اگر چه خواستار آن نباشد وادار می کنیم. البته باید بگوییم این اقدام درباره ی طفل مؤثر است، ولی در مواردی بسیار اثر آن نامداوم است و هرگاه که جبر و تحمیل از او برداشته شود، ممکن است به وضع سابق بازگردد.

ب - به صورت دوستانه و با رفق و مدارا و محبت و انس، همراه با

[ صفحه ۵۹ ]

درک و فهم نسبی در کودک که دوام و ثبات آن بیشتر است و در بینش اسلامی نیز بیشتر مورد عنایت است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان هذا الدين متين فأوغلوا فيه برفق» [۱] و هم چنین فرمودند: «و لا تُكْرِهُوا عِبَادَ اللَّهِ بِعِبَادَةِ اللَّهِ» [۲]؛ بندگان خدا را به عبادت خدا مجبور نکنید و یا بر آنان جبراً تحمیل ننمائید. از نظر فلسفی هم این نکته قابل ذکر است که «الْقَسْرُ لَا يَدُومُ»؛ چیز جبری دوام نخواهد یافت.

[۱] بحارالانوار (کمپانی)، ج ۱، ص ۱۷۲.

[۲] همان.

## اصل استفاده از فرصت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ان لله في أيام دهرِكُم لِنَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا» [۱]؛ مطمئناً در مسیر زندگی تان گاهی نسیم های ملایمی می وزد، هشیار باشید و خود را در معرض آن نسیم ها قرار دهید. در جریان رشد کودک هم این فرصتها به تناسب مراحل، به صورت بیداری ها رخ می نمایند. مربی باید آنها را به عنوان سکوی پرش کودک قرار داده، او را به پیش برد. اگر این فرصت ها از میان بروند، معلوم نیست به سادگی قابل بازگشت

باشند. نوع بیداری هایی که در جریان رشد برای افراد رخ می دهند هر کدام به مثابه ی فرصتی گرانبها در تربیت نسلند، از جمله:

الف) بیداری فطرت که مخصوصاً تا ۴ سالگی به صورت عینی در حیات کودک وجود دارد و در دوره ی نوجوانی به مرحله ی احیای مجدد می رسد. این نکته را باید متذکر شویم که فطرت در سه مرحله ی از عمر جداً بیدار است: در سه سال اول عمر، در مرحله نوجوانی و در هنگام مرگ.

ب) بیداری وجدان که از حدود ۸ سالگی در کودک ایجاد می شود و در نوجوانی به اوج خویش می رسد. کودک در این مرحله اگر مرتکب

[ صفحه ۶۰ ]

خطایی شود، خود را سرزنش می کند.

ج) بیداری تمیز و تشخیص که اساس آن در ۶ سالگی است و کودک به مبانی حسن و قبح عمل آگاه می گردد؛ ضمن اینکه دنیای متفاوت مرد و زن را نیز درمی یابد. بسیاری از مسائل مربوط به روابط علت و معلولی درباره ی نیکی و بدی در این سن روشن می شود.

د) بیداری احساس مذهبی که گفتیم در ۴ سالگی و حتی قبل از آن وجود دارد و تظاهرات آن در ۶ سالگی است. این بیداری در سنین نوجوانی در حد بالایی بروز می کند.

ه) بیداری جامعه پذیری که در آن کودک از حدود سه سالگی می خواهد خود را با ضوابط و مقررات جامعه تطبیق دهد. این حالت در سنین ۶ و ۷ سالگی تشدید می شود و خواست و توقعات اجتماعی (چشمداشت اجتماعی) در او مؤثر است.

و) بیداری فرهنگ پذیری که در آن طفل از حدود ۴ سالگی می خواهد خود را با فرهنگ و معنویت جامعه و اطرافیان خویش تطبیق دهد و این خود زمینه ای ارزنده برای قبول تعالیم مذهب است.

[۸] نجات الانس.

## اصل اسوه پذیری

کودک به دنیا می آید در حالی که از امور و مسائل زندگی آگاه نیست. طرز عمل یا به کارگیری پدیده ها را نمی شناسد؛ اما چشمان او دریچه هایی به سوی دنیای خارجند، او آنچه را که از رفتار دیگران می بیند به مرحله ی اجرا و عمل می گذارد.

عمل و رفتار مادر و سپس پدر و اطرافیان برای کودک درس رفتار و عمل به حساب می آیند. کودک با الگوگیری از اسوه ها، طریق عمل را می آموزد. رسول خدا صلی الله علیه و آله با استفاده از همین اصل به تعلیم دین و روش زندگی پرداخت. او در نماز خواندن، وضو گرفتن، عمل حج و دیگر

[ صفحه ۶۱ ]

برنامه های زندگی عبادی، به همین گونه عمل فرمود. قرآن هم به ما دستور داد که به پیامبر صلی الله علیه و آله تأسی کنیم. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ».

در محیط خانه، پدر و مادر باید اسوه و الگوی عمل برای کودک باشند. هماهنگی آنها در عبادت و در اجرای نماز مخصوصاً در حضور کودک باید مورد رعایت و عنایت باشد، به ویژه از آن بابت که کودک از آنها درس می گیرد، و به همین خاطر مسؤولیت والدین در این راه سنگین است. آنها حداقل به خاطر کودک خود، آزاد نیستند به هر گونه ای که می خواهند، عمل کنند.

## امکان پذیرش

در امکان واداشتن کودک به نماز این سؤال مطرح است که آیا برای چنان اقدامی، امکان پذیرش وجود دارد؟ با آنکه پاسخ به این پرسش به دلیل عمل مشهود و برای ما مثبت است، باز هم اعلام می داریم که زمینه و امکان آن علماً و عملاً وجود دارد.

## از نظر امکان

دلایل زیر قابل ذکرند:

- تجارب روزمره ی ما و شما بهترین سند است و همه می دانیم که ما خود در سایه ی تربیت گذشتگان اهل نماز شده ایم و به نوبه ی خویش این ما بودیم که فرزندان خود را برای نماز پروراندیم. اگر در این مورد نوادری وجود دارند، گفته ی علما درباره شان صادق است که: «النادِرُ كَالْمَعْدُومِ»، که تازه برای عملکرد افراد نادر هم دلایلی وجود دارد. علم روز به ویژه روان شناسی این امکان را تأیید می کند.
- ما گفته بودیم که کودک موجودی تلقین پذیر، مقلد، همانندجو،

[ صفحه ۶۲ ]

انعطاف پذیر و فراگیر است، پس در هر سن و سطح و درجه ای از فهم که باشد می توانیم به تناسب، به او مطالبی را بیاموزیم.

- اصل ارسال رسل و دعوت انبیاء، اصل تکلیف و اصل عرضه ی امانت در قرآن از سوی خداوند به بشر، خود مؤید پذیرش انسان نسبت به تکالیف و وظایف است و اگر امکان پذیرش آن نبود دعوت انبیاء و درخواست تکلیف معنا نداشت.

## از نظر زمینه ها

باور ما این است که:

- فطرت کودک خدا آشناست و نفخه ای از روح منتسب به خدا در انسان وجود دارد.

- وجدان انسان در کودکی بیدار و در نوجوانی بیدارتر است.
- بسیاری از روان شناسان، میل به ستایش و نیایش را در انسان ذاتی خوانده اند.
- قهرمان دوستی در انسان میلی فطری و طبیعی است و آدمی در برابر قدرت فوق العاده طبیعت، خاضع است.
- بی نهایت طلبی ریشه در درون و ذات آدمی دارد.
- تأثیرپذیری و حساسیت از ویژگیهای حیوان و مخصوصاً انسان است.
- میل به خلود و جاودانگی را افرادی چون: فروید نیز پذیرفته و آن را غریزه دانسته اند.
- روانکاوان معتقدند که سعادت طلبی در درون آدمی ریشه دارد و هر کس در زندگی آن را وجدان می کند.
- جاذبه های خانوادگی و ملاحظاتی عاطفی خود زمینه ساز پذیرش اوامر و نواهی است و همه ی والدین از این زمینه برای تربیت استفاده

[ صفحه ۶۳ ]

می کنند.

- احساس تعلق در آدمی سبب تسلیم شدن به رأی ها و نظریه هاست و هر کس آن را حداقل درباره ی فرزند خود تجربه کرده است.
- و (سرانجام) وجود مبانی باورهای متافیزیکی در درون انسان و تجلیات آن در سنین ۷ تا ۸ سالگی مشهود است. اینها و چندین مورد دیگر زمینه هایی برای جهت دادن کودک به رعایت تعالیم مذهبی می باشند.



## قواعد و مراقبت ها

در تربیت دینی کودکان، قواعد و مراقبتهایی مورد نظرند که ما به اختصار به ذکر آن می پردازیم.

### قواعد

در این جنبه به تکامل باید عنایت شود. اهم این قواعد عبارتند از:

الف) قاعده ی محبت: به این معنی که کودک از راه محبت و دوستی بهتر پیش می رود تا از راه خصومت و دشمنی، پس محبت خود را در این راه دریغ نداریم.

ب) قاعده ی لذت: و آن جالب و جاذب داشتن نماز است، به گونه ای که کودک از آن احساس لذت کند.

ج) قاعده ی تحسین و تشویق: که در آن می کوشیم با ستایش از عمل کودک، کار را در نظر او زیبا جلوه دهیم.

د) قاعده ی انذار: که در آن گاهی کودک را به نماز امر می کنیم و یا او را به عقوبت الهی و به از دست دادن محبت افراد مورد علاقه اش هشدار می دهیم.

ه) قاعده ی مسامحت: بدین معنی که همه گاه مته بر خشخاش نمی گذاریم

[ صفحه ۶۴ ]

و گاهی غفلت ها و سهل انگاریهای کودک را نادیده می گیریم و می کوشیم، برخورد ما با او بر اساس فضل باشد. (و) قاعده ی سهل گیری: بدین معنی که سعی کنیم عمل عبادی بر کودک سخت و دشوار نیاید؛ زیرا خدای تعالی فرمود: «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر»، همچنین رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «بعثت علی شریعةً سهلةً و سمحةً».

ز) قاعده ی تدریج: غرض این است که ما کودک را یکباره و ناگهان نمی توانیم عابد و زاهد کنیم. این کار باید تدریجاً صورت گیرد. ابتدا نماز بی وضو، بعد دست و صورت شستن، سپس وضوی کامل، بعد هم نماز با وضو، و در عین حال گاهی هم نماز بی وضو.

ح) قاعده ی زمینه سازی: برای قبول روانی نماز یا دیگر عبادات، به گونه ای که نفس کودک به آن مایل گردد و شخصاً از عبادت استقبال نماید.

ط) قاعده ی القاء: که در آن سعی داریم محبت خداوند را به کودک القا کنیم و بذر مهرش را در دل او بیاشییم. به او گوشزد کنیم که خداوند مهربان است، و تو را دوست می دارد و...

ی) قاعده ی تحریک: که در آن با حالت دادن عبادت خود و یافتن شور و حال، سعی کنیم در کودک شوق و تحریکی پدید آوریم، تا انگیزه ای در او به وجود آید که بخواهد نماز بخواند و همان حال را پیدا کند.

ک) قاعده ی انس: که در آن می کوشیم کودک را با خدا مأنوس کنیم، نه آنکه او را از خدا بترسانیم. به او بگوییم حرف خودت را به خدا بگو، از او مدد بخواه، او همیشه حاضر و ناظر است، حرف تو را می شنود و در کنار توست.

## مراقبت ها

در زمینه مراقبت ها هم نکاتی مورد نظرند که اهم آنها عبارتند از:

[ صفحه ۶۵ ]

الف) مراقبت در آغاز تمرین نماز؛ که بهتر است از همان سنین خردسالی باشد. زیرا بعدها طفل سرگرمی هایی پیدا می کند و اجرای نماز ممکن است برای او، دشواری آفرین باشد.

ب) مداومت در عمل و تمرین و تکرار؛ تا این که زمان و اجرای برنامه برای او عادت شود (عادت برای قبول انجام نماز است، نه کیفیت اجرا که باید هشیارانه باشد).

ج) اصل اعتدال و در نظر داشتن ظرفیت روانی کودک؛ که کثرت و شدت عبادت برای او زدگی پدید نیاورد، یا اصرار نکنیم که او نمازهای مستحبی بخواند، یا ذکر رکوع و سجود را طولانی کند.

د) ثبات در روش؛ و در آن، اصل را بر این قرار دهید که همه گاه نماز را در اول وقت بخوانید، نماز را بر همه ی کارها مقدم بدارید، برنامه ی نماز را همه وقت جاذب و مطبوع بسازید و...

ه) مراقبت در جنبه ی الگویی خود از همه جهات؛ حتی در حساسیت نشان دادن به وقت نماز و صدای اذان که فراخوان همگانی خداوند است و مراقبت در تقوا و پاکی از گناه و...

و) مراقبت در برقراری نماز به عنوان یک فریضه؛ که البته بعدها باید با فهم و بصیرت و هشیارگی و خواست درونی همراه شود.

ز) مراقبت های دیگر...

## پرهیزها

در واداشتن کودک به نماز، والدین و مربیان باید از مسائلی بپرهیزند تا اعمال آنها موجب نفی و ترک نماز نگردد. آن پرهیزها عبارتند از:

الف) پرهیز از خسته کردن کودک با برنامه های اضافی و تعقیبات نماز و یا بیدار کردن کودک از خواب شیرین برای نماز شب!!

[ صفحه ۶۶ ]

ب) پرهیز از اشغال وقت لذت کودک، مثلاً در گرماگرم یک بازی جالب و یا تماشای یک فیلم جاذب نمی توان کودک را به نماز واداشت، مگر آنکه از پیش برنامه ی حذف آن طراحی شود.

ج) پرهیز از اعمال قدرت و انذار در آغاز کار، مخصوصاً در سنین خردسالی که در آن بخواهند کودک را جبرا به نماز وادارند.

د) پرهیز از شل گرفتن و یا استخفاف به نماز و آن را به خنده و ادا و اطوار برگزار کردن.

ه) پرهیز از تفکیک نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء در خردسالی، که امام صادق علیه السلام فرمود: ما نماز را برای کودکان به صورت جمع می خوانیم... این کار سبب می شود که کودک احساس وقت گیری و اشتغال بسیار نداشته باشد.

و) پرهیز از دعوت به نماز وقتی که کودک را تازه تنبیه کرده اید و او هنوز از شما خشمگین است.

ز) پرهیز از خشکی و بی روحی نماز، به گونه ای که در قبل و بعد آن احساس آمادگی یا لذت نماز از بین برود.

ح) پرهیز از ذکر کیفر شدید خدا برای تارکان نماز در سنین قبل از ۸ سالگی، زیرا از نظر روانی به مصلحت کودک نیست که خداوند را به خشم و غضبش بشناسد.

ط) پرهیزهای دیگر

-پایان بخش کتاب را دعای حضرت ابراهیم علیه السلام قرار می دهیم که در قرآن مجید آمده است:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته